



کدپوشش سیاستمداران ایرانی
در مجامع بین‌المللی چه پیامی را منتقل می‌کند

از «یقه ولایتی» تا انگشتر عقیق عراقچی

صفحه ۵

پرستاران خسته و بیمارانی که در انتظار درمانند

صد هزار پرستار کم داریم

سالانه ۳۵۰۰ نفر در بیمارستان‌ها بازنشسته و

۱۵۰۰ نفر به دلیل مشکلات فراوان ترک کار می‌کنند

زنی حدودا ۴۰ ساله در به‌در در بیمارستان.... دنبال پرستار و متخصص قلب اورژانس می‌گردد. همین ۲۰ دقیقه قبل به خاطر سسکنته پدر سالمندش به اورژانس زنگ زد و آنها نیز براساس پروتکل‌ها، بیمار را به این بیمارستان دولتی آوردند. دختر که به شدت نگران پدر پیرش است؛ بارها برای پیدا کردن پرستار و پرسنل اورژانس به این و آن مراجعه کرده ولی هر بار با این جمله تکراری مواجه شده که «منتظر باش به نوبت به وضعیت بیماران رسیدگی می‌شود، فعلا در راهرو اورژانس منتظر بمانید!» اما دختری می‌داند پدرش باید زودتر به دستگاه متصل شود تا از بروز خطر جدی جلوگیری شود.... آن طرف‌تر گروهی دیگر از همراهان بیماران، به خاطر اینکه کسی به مریضشان رسیدگی نمی‌کند با پرسنل در حال جر و بحث هستند. مراجعان با کادر درمان سر این موضوع که چرا به مریش ما رسیدگی نمی‌کنید دعوا می‌کنند. یکی از پرستاران فریاد می‌زند: «چه کار کنیم؟ مگه چند نفر هستیم؟ نمی‌توانیم به همه برسیم، باید منتظر بمانید»...

صفحه ۶



گرانی میوه و چالش‌های سبد غذایی
خانوارهای ایرانی

داغ‌قیمت برپیشانی میوه‌های تابستانی

صفحه ۲



شاهرگ تمدن ایران زیر بار سد و نمک نفس می‌کشد

کارون هم‌تشنه‌است!

حکایت رودخانه‌ای که روزگاری شکرستان بود اما

امروز سد گتوند برز خمش نمک می‌پاشد

همین صفحه

رئیس جمهوری برگفت وگو با اپوزیسیون با
رعایت عدالت و انصاف تاکید کرد

گفت وگو با کدام اپوزیسیون؟

سخنر رئیس جمهوری لایه‌های متعددی از ابهام و

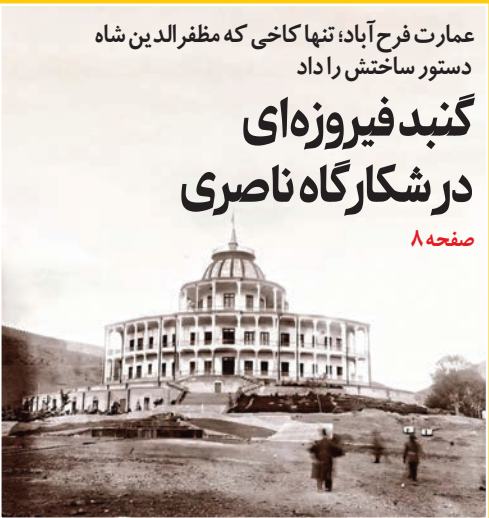
تناقض را در خود نهفته دارد

صفحه ۳

عمارت فرح آباد؛ تنها کاخی که مظفرالدین شاه
دستور ساختش را داد

گنبد فیروزه‌ای در شکارگاه ناصری

صفحه ۸



گزارش

شاهرگ تمدن ایران زیر بار سد و نمک نفس می‌کشد

کارون هم‌تشنه‌است!

حکایت رودخانه‌ای که روزگاری شکرستان بود اما امروز سد گتوند بر زخمش نمک می‌پاشد



شد. برخی این تصمیم را نمادی بی‌توجهی به مطالعات زیست‌محیطی و غلبه نگاه ساز-محور بر برنامه‌ریزی منابع طبیعی می‌دانند. هنوز هم راه‌حل قطعی برای کاهش شوری آب ناشی از این سد پیدا نشده‌است.

بحران امروز؛ رودخانه در محاصره

رودخانه‌ای که نماد تمدن ایران است و روزگاری زیست‌بوم، فرهنگ و اقتصاد را به هم پیوند می‌داد، امروز با بحران‌های متعدد دست به گریبان است. ورود فاضلاب شهری و صنعتی، زه‌کش‌های شور کشاورزی، کاهش دبی آب، انتقال آب به حوضه‌های دیگر و سدسازی‌های بی‌درپی نفس کارون را گرفته‌است.

کارون دیگر نه آن رودخانه پرآب و زلال است و نه آن عنصر حیاتی زندگی. حیات ماهی‌ها کاهش یافته، کشاورزان با شوری آب مواجه‌اند و مردم بومی از بوی تغفن و کاهش کیفیت زندگی شکایت دارند. مدیریت آب، که روزگاری با دقتی مثال‌زدنی در خوزستان به کار گرفته می‌شد، امروز بیشتر از همیشه دچار برآکندگی، تعارض و گاه بی‌برنامگی است به گونه‌ای که حالا استاندار از بروز فاجعه در باره کارون خبر می‌دهد.

باز خوانی گذشته، برای آینده‌ای ممکن

تاریخ آب در خوزستان و به‌طور خاص کارون، تنها گذشته‌ای باشکوه نیست. اگر درست خوانده شود، می‌تواند منبعی برای فهم بحران‌های امروز و طراحی راه‌حل‌هایی برای آینده باشد. تجربه‌هایی مانند چغازنبیل، بند اهواز یا حتی سدهای دهه ۴۰ خورشیدی، فقط تاریخ نیستند؛ نشانه‌اند. نشانه‌هایی از این که چگونه می‌توان به آب اندیشید، نه فقط به‌عنوان مایه حیات، بلکه به‌عنوان بستری تمدنی.

«کارون دیگر توان برداشت از بالادست را ندارد.» رودی که روزگاری ترانه تمدن ایران را از زاگرس تا خلیج فارس می‌سرود حالا، در پی سیاست‌گذاری‌های غلط، سدسازی‌های بی‌برنامه و بی‌امان، شوری آب و فاضلاب‌هایی که مثل سم وارد این شاهرگ حیاتی می‌شوند، نقشش به شماره افتاده‌است تا جاییکه استاندار خوزستان در جلسه رسمی کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی با وزیر نیرو هشدار داد «کارون دیگر توان ندارد» و ادامه این روند می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر پایداری منابع طبیعی، مهاجرت‌های اجباری و بحران‌های اجتماعی در جنوب کشور بر جای بگذارد.

این جمله کوتاه، در واقع اعلام رسمی وضعیت قرمز برای مهم‌ترین رود ایران است. جهت‌دهی و زمین‌های پایین‌دست را برای کشاورزی نیشکر آماده می‌کردند. به واسطه همین نظام آبی، شکر خوزستان در جهان شناخته‌شده بود و «قند پارسی را به بنگاله می‌برد» تا جایی که اهواز را «انبار شکر بصره» می‌نامیدند. در شعر نظامی هم ردپایی از این شهرت دیده می‌شود، آن‌جا که می‌گویند:

سختن در وصف خوزستان نامی

ز استاد سخن بشنو نظامی

مگو شکر حکایت مختصر کن

چو گفتی، سوی خوزستان نظر کن

اما با حمله مغول و تخریب این شبکه آبی، نقش اهواز و رودخانه‌اش در اقتصاد منطقه تضعیف شد و قرن‌ها طول کشید تا دوباره در کانون توجه قرار گیرد. نقاط عمیق، عمق آن حتی به ۲۱ متر هم می‌رسد، در حالی که در مناطق کم‌عمق تنها یک و نیم متر عمق دارد. کارون تنها رود ایران است که به آب‌های آزاد جهان راه دارد و همین ویژگی، از دیرباز آن را به شریان حیاتی تجارت، کشاورزی و زندگی در جنوب ایران بدل کرده‌است. امروز، حجم آب و تنوع زیستی این رود به‌شدت کاهش یافته و ماهی‌هایی که روزی در آب‌های آن شنا می‌کردند، حالا دیگر به‌ندرت دیده می‌شوند.

کارون، شاهرگ تپنده تمدن ایران

کارون طولانی‌ترین رودخانه ایران به طول حدود ۹۵۰ کیلومتر است که از کوه‌های زاگرس در استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از شهرهای مثل ایذه، مسجدسلیمان، شوشتر، اهواز و خرمشهر، سرانجام به خلیج فارس می‌ریزد. در منطقه شوشتر کارون به دو شاخه تاریخی به نام‌های «شطیط» و «گرگر» تقسیم می‌شود که دوباره در جنوب شهر به هم می‌پیوندند. این شاخه‌ها در گذشته برای آبیاری و آسیاب‌های آبی نقش کلیدی داشتند. در پایین‌دست، جایی بین خرمشهر و بندر قیر، کارون به رودی پهن و نسبتاً عمیق تبدیل می‌شود و مسیر حدود ۱۹۰ کیلومتری‌اش قابل کشتیرانی است. در برخی نقاط عمیق، عمق آن حتی به ۲۱ متر هم می‌رسد، در حالی که در مناطق کم‌عمق تنها یک و نیم متر عمق دارد. کارون تنها رود ایران است که به آب‌های آزاد جهان راه دارد و همین ویژگی، از دیرباز آن را به شریان حیاتی تجارت، کشاورزی و زندگی در جنوب ایران بدل کرده‌است. امروز، حجم آب و تنوع زیستی این رود به‌شدت کاهش یافته و ماهی‌هایی که روزی در آب‌های آن شنا می‌کردند، حالا دیگر به‌ندرت دیده می‌شوند.

از چغازنبیل تا نهر شاهی هخامنشیان

در دل تمدن عیلام، یکی از قدیمی‌ترین و ماندگارترین جلوه‌های مدیریت آب را در معبد چغازنبیل می‌بینیم. این معبد با ساختاری زیگورات مانند، در نزدیکی رود دز بنا شده. شبکه‌ای از لوله‌های سفالی آب را از چند کیلومتر آن‌سوتر به بالای معبد می‌رساند. در کنار آن، نخستین نشانه‌های سیستم فاضلاب دیده می‌شود. این فقط بی‌بازگشت برسییم، باید حکمرانی در آب را از نو بازاندیشید و به عقلانیت آبی کوچ کرد.

سه‌گانه مدیریت بحران‌ها؛ توصیه، توجیه، تعطیلی

حمید رنجبر | در میانه تابستانی که پایتخت زیر تیغ خشکسالی و بی‌آبی بالا قرار دارد، مسئولان کشور همچنان مشغول سبک‌وسنگین کردن «تعطیلات» اند؛ گویا بحران آب را می‌توان با بستن ادارات و توصیه به کمتر دوش گرفتن، مهار کرد. اگر چه سخنگوی محترم دولت در گفت‌وگو با خبرنگاران از زبان تعطیلی‌های برای دولت سخن گفت و اظهار کرد که دولت موافق تعطیل کردن نیست، اما هیچ اشاره‌ای به زبان‌های سیاست‌گذاری معیوب و فقدان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت نکرد. گویی بحران آب، بلایی آسمانی است و کسی روی زمین کاری با آن ندارد. این واکنش سطحی به بحرانی عمیق، نشانه بارزی از آشفتگی نظم حکمرانی در حوزه محیط زیست است. اکنون در پنجمین سال پیایی خشکسالی هستیم؛ و وضعیتی که مسئولان خود نیز آذغان دارند در ۶۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. یعنی از پنج سال پیش تاکنون از این بحران آگاه بوده‌ایم. همچنین کاهشی ۴۰ درصدی بارندگی در تهران، افت شدید ذخایر سدها و افزایش کم‌سابقه دمای هوا، هشدارهایی جدی هستند که سال‌هاست از سوی کارشناسان و نهادهای پژوهشی داخلی و بین‌المللی داده شده‌اند. پرسش اینجاست چراست که ضمن آگاهی از این مقوله به این نقطه رسیده‌ایم. ظاهراً گوش شنوایی برای این هشدارها وجود نداشته‌است و کارگزاران مشغول کارهایی دیگر بوده‌اند. مسئولان اجرایی به جای تدوین و اجرای برنامه‌های اصلاحی در حوزه مصرف، انتقال آب، تغییر الگوی کشت، بازنگری در تخصیص منابع آبی و بهروروری صنعتی، اکنون به مردم می‌گویند «مسافرت بروید، خسته‌ایدا» و یا وعده می‌دهند اگر لازم شد، «آب را قطع می‌کنیم!»

بحران آب، محصول طبیعی «خشکسالی» صرف نیست؛ بلکه حاصل ده‌ها سوءمدیریت، توسعه بی‌قاعده شهرنشینی و بی‌اعتنایی به ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی کلان است. استاندار تهران می‌گوید اکنون در تهران بیش از ۴۰ درصد منابع آب تجدیدپذیر صرف آب شرب می‌شود؛ عددی چهار تا پنج برابر بیشتر از سایر استان‌ها. هرچند از این نوع اظهارات بوی رفع تکلیف و شانه‌خالی کردن از پذیرش مسئولیت به گوش می‌رسد، باید گفت مگر همه این‌ها ناشی از تمرکز جمعیتی و صنعتی و ضعف تاریخی در توزیع متوازن جمعیت و زیرساخت‌های آب‌رسانی نیست. چگونه ممکن است مدیران اجرایی که از این واقعیت‌ها



گرانی میوه و چالش‌های سبذ غذایی خانوارهای ایرانی

داغ قیمت برپیشانی میوه‌های تابستانی

• هر خانواده ایرانی برای تامین میوه از میادین میوه و تره بار تا هفته ای یک میلیون و پانصد هزار تومان هزینه می کند

گروه اقتصادی | تابستان با عطر و رنگ میوه‌هایش

از راه رسیده اما برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی، لذت چشیدن سیب‌های آیدار، شلیل‌های شیرین، هلوهای معطر و هندوانه‌های خنک به حسرتی تلخ بدل شده است. بازارهای میوه و تره‌بار تهران که روزگاری مأمن دسترسی آسان به محصولات تازه بود، حالا زیر سایه گرانی و واسطه‌گری، رنگ و بوی دیگری گرفته است. قیمت‌های سرسام‌آور میوه، سفره‌های ایرانی را کوچک‌تر کرده و سلامت خانواده‌ها را به خطر انداخته است. نگاهی به تفاوت قیمت‌های اعلام‌شده در آیین‌نامه‌ها و واقعیت بازار نشان می‌دهد که آیا یک خانواده ایرانی با درآمد متوسط می‌تواند میوه‌های مورد نیاز خود را به سفره بیاورد.

تفاوت قیمت از میادین میوه و تره‌بار تا مغازه

هر هفته، میدان بزرگ میوه و تره‌بار تهران قیمت‌های عمده‌فروشی میوه‌ها را اعلام می‌کند. بر اساس آیین‌نامه هفته منتهی به پنجم مرداد ۱۴۰۴، هر کیلوگرم سیب گلاب قیمتی بین ۱۴۸ تا ۲۲۰ هزار تومان دارد، شلیل بین ۱۴۹ تا ۲۹۵ هزار تومان، هلو بین ۱۲۹ تا ۱۶۸ هزار تومان و هندوانه بین ۱۶ تا ۲۰ هزار تومان ارزش‌گذاری شده است اما این اعداد که با دقت روی کاغذ نوشته شده‌اند، با آنچه در میدان‌های میوه و تره‌بار و مغازه‌های شهر می‌بینیم، فاصله‌ای عمیق دارد.

در میدان اصلی میوه و تره‌بار تهران، قیمت‌ها زیر سایه حضور دلالان و واسطه‌گران، از آیین‌نامه‌ها پیشی می‌گیرند. سیب گلاب که در آیین‌نامه تا ۲۲۰ هزار تومان قیمت دارد و لابد قیمت ۲۲۰ هزار تومان برای کیفیت عالی آن در نظر گرفته شده است، برای کیفیت‌های معمولی در میدان گاهی تا ۲۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. شلیل، در میدان به طور متوسط

۲۵۰ هزار تومان قیمت‌گذاری می‌شود، در حالی که در مغازه‌های سطح شهر، این رقم به بیش از ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد. هلو نیز که در آیین‌نامه تا ۱۶۸ هزار تومان ارزش دارد، در میدان به حدود ۲۰۰ هزار تومان و در خرده‌فروشی‌ها حتی بالاتر معامله می‌شود. هندوانه، در آیین‌نامه قیمتی بین ۱۶ تا ۲۰ هزار تومان دارد اما در میدان به طور متوسط ۲۵ هزار تومان عرضه می‌شود و در مغازه‌های شهر، همین هندوانه گاهی با همین قیمت یا کمی بیشتر به دست مصرف‌کننده می‌رسد. این تفاوت قیمت که گاهی تا ۵۰ درصد با بیشتر است، ریشه در زنجیره‌ای معیوب دارد. دلالان، با خرید محصولات از باغداران به قیمتی ناچیز، آنها را در انبارها نگه می‌دارند و با عرضه تدریجی، قیمت‌ها را به نفع خود بالا می‌برند. این چرخه، نه تنها جیب مصرف‌کننده را خالی می‌کند، بلکه دسترنج کشاورزان را نیز به بیغما می‌برد.

دلای، بلای جان بازار میوه

بازار میوه و تره‌بار تهران که قلب تپنده توزیع محصولات کشاورزی کشور است، این روزها به صحنه‌ای برای جولان واسطه‌گران تبدیل شده است. دلالان، با نفوذ در هر مرحله از زنجیره تأمین، از باغ تا مغازه، قیمت‌ها را به شکلی غیرمنطقی افزایش داده‌اند. سیب‌های سبز و شلیل‌های رسیده که روزگاری زینت‌بخش سفره‌های ساده بودند، حالا به کالاهایی لوکس بدل شده‌اند که برای بسیاری از خانواده‌ها دور از دسترس‌اند. هلوهای انجیری و هندوانه‌های خنک که باید در گرمای تابستان دل‌انگیز باشند، با قیمت‌های نجومی، از سبد بسیاری از خانوارها حذف شده‌اند. هزینه‌های حمل‌ونقل، بسته‌بندی و انبارداری نیز به این گرانی دامن زده‌اند اما نمی‌توان نقش دلالان را نادیده گرفت. آنها محصولات را از باغداران با قیمتی ناچیز می‌خرند، در انبارها ذخیره می‌کنند و با ایجاد کمبود مصنوعی، قیمت‌ها را به اوج می‌رسانند. نتیجه این چرخه، سودهای کلان برای واسطه‌گران و فشار مضاعف بر دوش خانواده‌هاست. در این میان، کشاورزان که ماه‌ها برای پرورش میوه‌ها زحمت کشیده‌اند، تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد از قیمت نهایی را به جیب می‌زنند، در حالی که دلالان، این آنکه خاک باغ را لمس کنند، سودهای اصلی را درو می‌کنند.

نیازهای تغذیه‌ای و فشار اقتصادی

سازمان بهداشت جهانی توصیه می‌کند که هر بزرگسال باید روزانه یک‌ونیم تا دو پیمانه میوه مصرف کند، یعنی چیزی حدود ۱۰ تا ۱۴ پیمانه در هفته. یک سیب ۲۰۰ گرمی یک پیمانه میوه در نظر گرفته می‌شود. اگر یک فرد در هفته دو روز و هر روز یک بار سیب بخورد باید برای یک خانواده چهار نفره هشت عدد سیب در نظر گرفت که تقریباً دو کیلو می‌شود. برای یک خانواده که بخواهد در هفته دو کیلوگرم سیب، دو کیلوگرم شلیل، دو کیلوگرم هلو و پنج کیلوگرم هندوانه به سفره بیاورد، هزینه‌ها کمرشکن می‌شود. اگر این خانواده به میادین میوه ۱۴۸ هزار تومان، کمی ارزان‌تر به نظر می‌رسد اما همچنان بخش بزرگی از بودجه را می‌بلعد. هندوانه نیز که در میدان به طور متوسط ۲۵ هزار تومان قیمت دارد، برای پنج کیلوگرم هزینه‌ای چشمگیر ایجاد می‌کند. در مجموع، این خانواده برای خرید ۲۰۰ هزار تومان میوه از میادین، باید بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان کنار بگذارد.

حال اگر همین خانواده به بازار آزاد یا مغازه‌های سطح شهر برود، هزینه‌ها سنگین‌تر می‌شود. سیب در بازار آزاد به طور متوسط ۲۰۰ هزار تومان، شلیل ۲۵۰ هزار تومان، هلو ۲۰۰ هزار تومان و هندوانه ۲۵ هزار تومان قیمت دارد. برای همان سبد میوه، خانواده باید نزدیک به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه کند. این اعداد، برای خانواده‌ای که تنها به میوه‌های ضروری بسنده کرده، نشان‌دهنده عمق بحران گرانی است. آیا یک خانواده متوسط توان پرداخت دارد؟ تصور کنید سرپرست یک خانواده، با زحمت و تلاش، ماهانه ۲۵ میلیون تومان درآمد دارد. این درآمد که برای بسیاری از خانوارهای ایرانی یک میانگین خوش‌بینانه است، در هفته به حدود شش میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد. اگر این خانواده بخواهد سبد میوه خود را از میادین میوه و تره‌بار تأمین کند، بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، یعنی نزدیک به یک‌پنجم درآمد هفتگی‌اش، صرف میوه خواهد شد. در بازار آزاد، این هزینه به نزدیک یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد که بیش از یک‌چهارم

دلالان، با نفوذ در هر مرحله از زنجیره تأمین، از باغ تا مغازه، قیمت‌ها را به شکلی غیرمنطقی افزایش داده‌اند. میوه‌هایی که روزگاری زینت‌بخش سفره‌های ساده بودند، حالا به کالاهایی لوکس بدل شده‌اند که برای بسیاری از خانواده‌ها دور از دسترس‌اند

درآمد هفتگی را می‌بلعد. برای خانواده‌هایی با درآمد کمتر، این اعداد نه تنها سنگین، بلکه عملاً غیرممکن است. نتیجه این گرانی، حذف تدریجی میوه از سفره‌هاست، محرومیتی که سلامت جسم و روح را تهدید می‌کند.

راهکارهایی برای بازگشت میوه به سفره‌ها

برای رهایی از این بحران، دولت باید دست به کار شود. نظارت سختگیرانه‌تر بر بازار میوه و بر خورد قاطع با دلالان و محسکران، اولین گام است. ایجاد زنجیره‌های تأمین مستقیم از باغدار به مصرف‌کننده، می‌تواند واسطه‌ها را حذف کند و قیمت‌ها را به تعادل برساند. حمایت از کشاورزان با ارائه تسهیلات، کاهش هزینه‌های تولید و مدیریت منابع آبی برای مقابله با خشکسالی، می‌تواند میوه‌های تازه را بار دیگر به دسترس همگان برساند. ترویج مصرف میوه‌های محلی و فصلی نیز نه تنها به اقتصاد منطقه‌ای کمک می‌کند، بلکه فشار بر بودجه خانوارها را کاهش می‌دهد. میوه‌ها، با رنگ‌ها و طعم‌های‌شان، نه تنها غذای جسم، بلکه غذای روح‌اند. سیب‌های سرخ، شلیل‌های طلایی، هلوهای مخملی و هندوانه‌های خنک، بخشی از هویت تابستان‌های ایرانی‌اند. اما گرانی این نعمت‌های طبیعی، آنها را از دسترس بسیاری از خانواده‌ها دور کرده است. اگر سیاست‌های مناسب برای تنظیم بازار و حذف واسطه‌ها اجرایی نشود، میوه‌ها برای بسیاری از ایرانیان به حسرتی دائمی بدل خواهند شد. بازگشت رنگ و عطر میوه‌ها به سفره‌های ایرانی و سلامت و شادی به خانواده‌ها به مدیریت هوشمند و نظارت کارآمد نیازمند است.

یادداشت

واردات خودرو جانبازان

از بازار سیاه حواله تا عدم تخصیص ارز

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های واردات خودرو جانبازان، مشکلات دولت و بانک مرکزی در مسیر تخصیص ارز است



نشده و شرکت‌های ارائه‌دهنده گارانتی نیز عملاً توان یا زیرساخت لازم برای ارائه خدمات پس از فروش را ندارند، با این حال مبالغی سنگین بابت گارانتی از متقاضیان دریافت می‌شود.

تخصیص ارز

از هفته اول خردادماه و اواخر اردیبهشت، همکاری‌هایی میان دولت، وزارت صمت و بانک مرکزی برای تسریع در تخصیص ارز ویژه جانبازان آغاز شد. اما در هفته‌های اخیر، به‌ویژه پس از وقوع جنگ اخیر و مشکلاتی که سامانه جامع تجارت برای واردکنندگان به وجود آورده، شاهد اختلالاتی در روند ثبت سفارش خودرو برای جانبازان هستیم. این ثبت سفارش‌ها، با رد می‌شود و یا در وضعیت «در انتظار مجوز» باقی می‌ماند.

متأسفانه از ابتدای سال جاری، هیچ ثبت سفارشی برای شرکت‌های واردکننده‌های واردکننده انجام نشده است. وزارت صمت و بانک مرکزی نیز در پاسخ‌گویی به این وضعیت سکوت اختیار کرده‌اند. نیاز جدی به ایجاد یک نهاد ناظر یا سازوکار دقیق نظارتی برای سامان‌دهی این وضعیت وجود دارد؛ امری که تاکنون تحقق نیافته و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک، با توجه و نظارت بیشتر، این مشکلات برطرف شده و خودروهای باکیفیت و مطمئن‌تری برای کشور و برای این قشر شریف و فداکار وارد شود.

علی‌دولتی - در حالی که واردات خودرو از محل تسهیلات جانبازی یکی از محدود امتیازاتی است که با هدف حمایت از ایثارگران و خانواده‌های آن‌ها در نظر گرفته شده، اما فرآیند ثبت سفارش این خودروها با مشکلات جدی و چالش‌های فزاینده روبه‌رو شده است.

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های واردات خودرو جانبازان، مشکلات دولت و بانک مرکزی در مسیر تخصیص ارز است؛ عدم تخصیص ارز به واردات خودرو جانبازان و از یک سو فرآیند پیچیده ثبت سفارش خودرو باعث شده تا جانبازان عطای واردات خودرو را به لقایش ببخشند و به دنبال فروش حواله خود باشند. در چنین فضایی، پای مافیا خودرو و دلالان به این بازار نیز باز شده و بازار حواله خودرو جانبازی به دست آنها بیفتد. بسیاری از جانبازان این سوال را دارند که «اگر قرار ارزی تخصیص داده شود پس هدف از ایجاد چنین فضایی توسط دولت چه بود؟»

هدیه‌گودرزیان کارشناس و فعال حوزه خودرو با سابقه‌ای حدود ۲۰ سال در این عرصه، از ابتدای مطرح شدن موضوع ثبت سفارش خودرو جانبازان در حال پیگیری پرونده واردات جانبازان بوده است. وی به هفت صبح می‌گوید: بازار سیاهی برای حواله‌های جانبازان به وجود آمده و این حواله‌ها میان واسطه‌ها و دلالان دست به دست می‌شود. اصل ماجرا با نیست انجام یک اقدام مثبت برای جانبازان آغاز شده بود، اما اکنون به چالشی جدی تبدیل شده است.

فروش حواله‌ها با قیمت سرسام‌آور

ممکن است فردی حواله جانبازی ۵۰ درصد را به قیمت ۵ میلیارد تومان پیشنهاد دهد، دیگری همان حواله را ۴ میلیارد یا ۳.۵ میلیارد قیمت‌گذاری کند و حتی برخی هم ادعا می‌کنند که تا ۷ یا ۱۰ میلیارد تومان می‌فروشند! این آشفتگی، حتی خود جانبازان را نیز سردرگم کرده است. برخی برای کسب سود بیشتر، حواله را با قیمت بالاتر می‌فروشند، اما بعد درگیر واردکنندگانی می‌شوند که نه تنها توانایی تأمین خودرو را ندارند، بلکه گاهی دچار مشکلات حقوقی و اجرایی جدی هستند. اگر حواله‌ها از ابتدا در یک سامانه شفاف، ایمن و تحت نظارت دقیق یک نهاد رسمی ثبت شوند، بسیاری

تلنگر

چند واقعیت اقتصادی که باید بیدارمان کند

زنگ‌هایی که به صدا در آمد

رشد تعداد ارزش‌های برگشتی بر تعداد و ارزش چک‌های مبادله شده پیشی گرفته و رشد شتابان‌تری داشته است

اقتصاد کشور یکی از سخت‌ترین شرایط خود در سال‌های اخیر را تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای دردناک‌تر از سال‌های پس از ۱۳۹۷ و خروج آمریکا از برجام و حتی بدتر از دوران همه‌گیری کرونا. این گزاره، ادعای ما نیست و چند آمار اعلام شده در روزها و هفته‌های اخیر، به این سخنان مهر تأیید می‌زند.

ناامیدی فراگیر در میان فعالان اقتصادی

نخستین گزاره موید ادعای فوق، شاخص مدیران خرید (شاخص) در بخش کل اقتصاد و صنعت است که در خردادماه ۱۴۰۴، کاهش و معادل ۴۲.۹ برآورد شده به گونه‌ای که کمترین مقدار ۶۲ ماهه خود را از اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ یعنی اوج دوران همه‌گیری کرونا در ایران و جهان که قیمت نفت را در برهه‌هایی از زمان به اعداد منفی هم رسانده بود، به ثبت رسانده است. این عدد کمترین مقدار ماهانه شاخص صنعت از اردیبهشت ۱۳۹۹ بوده و شاخص در هر پنج مولفه اصلی خود کاهش یافته یعنی میزان تولید، سفارش‌های جدید، صادرات، موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده و میزان استجادهای نیروی انسانی در این دوران روندی کاهشی داشته است. میزان سفارشات جدید مشتریان در خرداد ماه کمترین مقدار ۶۳ ماهه خود را از فروردین ماه ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است. موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده در خرداد ماه برای پانزدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خشی یعنی ۵۰ قرار گرفته و شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل (اردیبهشت) بیشتر بوده است. همچنین میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در خرداد ماه، با ثبت یکی از کمترین مقادیر خود، کمترین مقدار ۶۳ ماهه خود را از فروردین ماه ۱۳۹۹ به ثبت رسانده و قیمت مواد اولیه و لوازم خریداری شده در خرداد ماه نسبت به ماه قبل افزایش یافته و بیشترین مقدار چهار ماه اخیر را به ثبت رسانده است.

صنعتی که به سختی نفس می‌کشد

شاخص مدیران خرید بخش صنعت هم پس از تعدیل فصلی مقدار ۴۲.۱ تخمین زده که این عدد کمترین مقدار ماهانه از شروع اجرای طرح شاخص در مهر ۱۳۹۷ بوده است. دقت کنید که این میزان حتی از شوک اقتصادی ناشی از خروج آمریکا از برجام بدتر است.

چک‌هایی که پاس نمی‌شوند

هنوز گزارش دقیقی از میزان چک‌های برگشتی در خرداد ماه اعلام نشده اما پیش از آغاز تهاجم اسرائیل به ایران هم آمار به شدت تکان‌دهنده بوده است. طبق این گزارش، مقدار تولید محصولات در آخرین ماه از بهار سال جاری، ۳۴.۸ محاسبه شده که کمترین نرخ از آغاز اجرای طرح شاخص است.

چک‌هایی که پاس نمی‌شوند

هنوز گزارش دقیقی از میزان چک‌های برگشتی در خرداد ماه اعلام نشده اما پیش از آغاز تهاجم اسرائیل به ایران هم آمار به شدت تکان‌دهنده بوده است. طبق گزارش بانک مرکزی، در اردیبهشت امسال ۹.۸ میلیون فقره چک مبادله شده که ارزش این مقادیر معادل ۹۳۱.۷ هزار میلیارد تومان بوده است. تعداد و مبلغ چک‌های مبادله شده در این ماه نسبت به فروردین سال جاری به ترتیب ۲۲.۵ و ۴۷.۳ درصد افزایش داشته است. با این حال، در دومین ماه سال جاری یک میلیون فقره از چک‌های مبادله شده به ارزش معادل ۱۳۴.۱ هزار میلیارد تومان، برگشت داده شده که نسبت به فروردین ماه از نظر تعداد و





معادلات پیچیده سوریه بر روابط تل آویو و آنکارا چه تاثیری دارد

کردها و دروزی ها؛ کلید بازی اسرائیل در شام

وزیر خارجه ترکیه با هشدار به مداخله نظامی، نشان داد که آنکارا آماده است تا در صورت لزوم از ابزار نظامی برای حفظ منافع خود استفاده کند

حسین فاطمی
هفت صبح

سوریه، به عنوان یکی از کانون های اصلی تحولات خاورمیانه، همچنان صحنه تقابل منافع قدرت های منطقه ای و بین المللی است. تحولات اخیر این کشور، به ویژه پس از صعود احمد الشرع به قدرت و نقش آفرینی گروه های قومی نظیر کردها و دروزی ها، معادلات پیچیده ای را رقم زده که نه تنها بر آینده سیاسی و امنیتی سوریه، بلکه بر روابط میان بازیگران کلیدی منطقه ای مانند اسرائیل و ترکیه تاثیر عمیقی گذاشته است.

به دنبال حملات گسترده اسرائیل به سوریه و آتش بس بین دمشق و تل آویو همچنان سایه بحران به خصوص بحران تجزیه بر سر سوری ها سنگینی می کند. در این بین شروط کردها برای همکاری با دولت الشرع، مواضع ترکیه در قبال تلاش های

تجزیه طلبانه در سوریه و پروژه ژئوپلیتیکی اسرائیل موسوم به «کریدور داوود» هم بر ابهامات در معادلات سوریه افزوده است.

شروط کردها و چالش های ثبات در سوریه
کردهای سوریه، به رهبری نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)، در مذاکرات اخیر با فرستاده ویژه آمریکا «تام باراک» شروطی را برای همکاری با دولت موقت احمد الشرع مطرح کرده اند. این شروط شامل توقف حملات به جبل الدروز، ایجاد گذرگاه بشر دوستانه بین مناطق کردی و دروزی، مشارکت حکمت الهجری «رهبر دروزی» در گفت وگوهای سیاسی و تعهد کتبی الشرع به حفاظت از اقلیت هاست. این مطالبات نشان دهنده نگرانی عمیق کردها از بی ثباتی و هرج و مرج احتمالی در صورت عدم تامین حقوق اقلیت هاست. درگیری های اخیر در سویدا بین عشایر بادیه نشین و شبه نظامیان دروزی که به گزارش دیده بان حقوق بشر

سوریه منجر به کشته شدن ۱۱۲۰ نفر شده، نشان دهنده شکنندگی اوضاع امنیتی در جنوب سوریه است. استقرار نیروهای دولتی در سویدا و اعلام آتش بس از سوی دولت موقت، تلاشی برای مهار این بحران بوده اما تردیدهای آمریکا درباره توانایی الشرع در کنترل اوضاع، به پیچیدگی معادلات افزوده است.

اسرائیل با حملات هوایی و حمایت از کردها و دروزی ها، پروژه «کریدور داوود» را برای تغییر ژئوپلیتیک سوریه و قطع محور مقاومت دنبال می کند. این سیاست با هدف ترکیه برای حفظ وحدت سوریه در تضاد است

این شروط نه تنها چالشی برای دولت الشرع، بلکه پیامی برای بازیگران منطقه ای مانند ترکیه و اسرائیل است. کردها با تاکید بر حقوق اقلیت ها و مشارکت دروزی ها، به طور غیرمستقیم به ترکیه هشدار می دهند که هرگونه تلاش برای سرکوب مطالبات قومی می تواند به تشدید تنش ها منجر شود. در عین حال، درخواست گذرگاه بشر دوستانه و حمایت از دروزی ها، همسویی ضمنی با برخی اهداف اسرائیل در جنوب سوریه را

نشان می دهد.

ترکیه و تاکید بر حفظ یکپارچگی سوریه

«هاکان فیدان» وزیر خارجه ترکیه، در اظهارات اخیر خود، اسرائیل را به تلاش برای تجزیه سوریه و ایجاد هرج و مرج در منطقه متهم کرده است. او هرگونه اقدام برای خودمختاری یا تجزیه را تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی ترکیه دانسته و بر آمادگی آنکارا برای مداخله نظامی تاکید کرده است. این موضع گیری به دنبال درگیری های سویدا و حملات هوایی اسرائیل به مواضع دولتی در دمشق و سویدا مطرح شده که اسرائیل آنها را به عنوان حمایت از دروزی ها توجیه می کند. حمایت قاطع ترکیه از دولت موقت الشرع ریشه در نگرانی های دیرینه آنکارا نسبت به تشکیل یک نهاد خودمختار کردی در مرزهای جنوبی اش دارد که می تواند به تقویت گروه های کرد در داخل ترکیه منجر شود.

فیدان با تاکید بر حفظ هویت فرهنگی و مذهبی گروه های سوری، به طور همزمان از آنها خواسته تا از اقدامات تفرقه افکنانه خودداری کنند.

حملات هوایی اسرائیل به مواضع دولتی، به ویژه پس از درگیری های سویدا، نشان دهنده تلاش تل آویو برای تضعیف دولت الشرع و ایجاد فضای نفوذ در مناطق مرزی است. این اقدامات، به ویژه حمایت آشکار اسرائیل از دروزی ها، با سیاست ترکیه برای حفظ یکپارچگی ارضی سوریه در تضاد است و تنش های میان آنکارا و تل آویو را تشدید کرده است.

«کریدور داوود» و اهداف ژئوپلیتیکی اسرائیل
در یک لایه عمیق تر می توان به پروژه «کریدور داوود» پرداخت که هدفی فراتر از حمایت از اقلیت ها را دنبال می کند. اسرائیل با انجام حملات هوایی گسترده به زیرساخت های نظامی سوریه، خطوط قرمزى را در جنوب سوریه ترسیم کرده که عملاً حاکمیت دولت الشرع را محدود می کند.

این حملات به ویژه در سویدا و دمشق، به بهانه حمایت از دروزی ها انجام شده اما در واقع بخشی از استراتژی کلان تل آویو برای تغییر معادلات ژئوپلیتیکی منطقه است. «کریدور داوود» به عنوان بخشی از آرمان «اسرائیل بزرگ» به دنبال ایجاد

پیوند زمینی با مناطق کردنشین شرق فرات و تضعیف ساختار ملی عربی در سوریه است. این پروژه نه تنها با هدف قطع ارتباط جغرافیایی محور مقاومت (ایران، عراق و حزب الله) طراحی شده، بلکه تلاشی برای مقابله با نفوذ فراینده ترکیه در سوریه نیز محسوب می شود. فیدان به صراحت، اسرائیل را به ایجاد هرج و مرج متهم کرده و مداخله نظامی را به عنوان گزینه ای برای جلوگیری از تجزیه مطرح کرده است.

هاکان فیدان، اسرائیل را به تلاش برای تجزیه سوریه متهم کرده و هرگونه خودمختاری را تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه می داند. آنکارا از دولت الشرع حمایت کرده و آماده مداخله نظامی برای حفظ یکپارچگی سوریه است که این موضع تنش با اسرائیل را تشدید می کند

روابط اسرائیل و ترکیه: تنش تا تقابل
روابط اسرائیل و ترکیه که پیش تر به دلیل اختلافات بر سر فلسطین و غزه پر تنش بود اما با حملات هوایی اسرائیل به مواضع دولتی در دمشق و سویدا، پیام روشنی به ترکیه ارسال کرده که تل آویو حاضر نیست اجازه دهد یک دولت متمرکز تحت حمایت ترکیه در سوریه شکل گیرد. این اقدامات همراه با هماهنگی اسرائیل با کردها، به تشدید تنش های دیپلماتیک منجر شده است. فیدان با هشدار به مداخله نظامی، نشان داده که ترکیه آماده است تا در صورت لزوم از ابزار نظامی برای حفظ منافع خود استفاده کند. در عین حال، نقش آمریکا به عنوان یک میانجی پیچیده است. واشنگتن از یک سو با حمایت از کردها و هماهنگی با اسرائیل، به پروژه «کریدور داوود» میدان داده و از سوی دیگر، با فشار بر دولت الشرع برای ادغام قسد در ارتش ملی، به دنبال کاهش تنش با ترکیه است. این دوگانگی نشان دهنده تلاش آمریکا برای حفظ توازن میان متحدان منطقه ای خود است اما در عمل به تشدید رقابت میان اسرائیل و ترکیه دامن زده است.

مسیر مبهم، آینده مبهم تر

معادلات کنونی سوریه که در آن کردها، دروزی ها، دولت موقت الشرع و بازیگران خارجی نقش آفرینی می کنند، به یک نقطه عطف حساس رسیده که یک مسیر مبهم و آینده مبهم تر را پیش رو می گذارد. این تقابل، روابط اسرائیل و ترکیه را به سمت تنش های بیشتر سوق داده و احتمال درگیری های غیرمستقیم یا حتی مستقیم را افزایش داده است. آینده سوریه و روابط اسرائیل و ترکیه به چگونگی مدیریت این تنش ها و توانایی دولت الشرع در ایجاد توازن میان مطالبات داخلی و فشارهای خارجی بستگی دارد. با این حال، مسلم است که سوریه همچنان میدان اصلی رقابت های ژئوپلیتیکی منطقه باقی خواهد ماند.



یادداشت

رئیس جمهوری بر گفت وگو با اپوزیسیون با رعایت عدالت و انصاف تاکید کرد

گفت وگو با کدام اپوزیسیون؟

این جمله، در ظاهر نرم و امیدوارکننده، در بستر سیاسی پیچیده ایران، لایه های متعددی از ابهام و تناقض را در خود نهفته دارد



پوریا محسن زاده
هفت صبح

وقتی مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، در دیدار با جبهه اصلاحات در تیرماه ۱۴۰۴ از «آمادگی برای گفت وگو با اپوزیسیون بر مبنای انصاف و عدالت» سخن گفت، گویی آینه ای مقابل جامعه ایرانی گرفت. این دعوت، مانند دعوت به یک مهمانی است که نه میزبان دقیقا می داند چه کسانی دعوت شده اند و نه مهمانان مطمئن اند که دعوت شده اند یا نشده اند، اصلا نمی دانند مخاطب این مهمانی بوده اند یا نبوده اند و به فرض که بدانند نمی دانند اگر برای گفت وگو به این مهمانی بیایند در باز است یا کسی در را باز خواهد کرد. این در حالی است که خود اپوزیسیون هم با همدیگر در تخالفاند و خود اپوزیسیون هم

اپوزیسیون دارد. این جمله، در ظاهر نرم و امیدوارکننده، در بستر سیاسی پیچیده ایران، لایه های متعددی از ابهام و تناقض را در خود نهفته دارد. تحلیل گفتن انتقادی نورمن فیکلاف می تواند نوری بر این موضوع ریاست جمهوری بیاندازد و نقش آن را در بازتولید یا چالش ساختارهای قدرت در ایران کنکاش کند.

شامل منتقدانی می شود که هم اکنون با محدودیت های قضایی مواجه اند؟ یا صرفاً به گروه های محدود است که در چارچوب های پذیرفته شده نظام فعالیت می کنند؟ گفتن های سیاسی، اغلب با پنهان کردن تناقضات ساختاری، به بازتولید وضع موجود کمک می کنند. در این مورد، دعوت به گفت وگو، بدون تغییر در ساختارهای موجود، ممکن است به ابزاری برای تثبیت اقتدار دولت بدل شود تا گامی واقعی برای حل مسائل.

گفت وگو به جای تقابل: آرمان با استراتژی؟
پزشکیان تاکید می کند که «حل مسائل کشور نیازمند گفت وگو و نه تقابل است». این جمله، در سطح گفتن های ملی اشاره دارد: وحدت و همدلی برای رفع چالش های کشور. در ایران، گفت وگوهای سیاسی، به ویژه با گروه های منتقد، اغلب با موانع ساختاری و سوء تفاهم های تاریخی همراه بوده است. تجربه دهه های گذشته نشان می دهد که دعوت به گفت وگو، بدون تغییر در سازوکارهای قدرت، می تواند به یک نمایش سیاسی تبدیل شود که هدفش آرام کردن فضای عمومی است، نه حل ریشه ای مسائل. این گفتن یک استراتژی «هژمونیک» است، پزشکیان با این سخنان، تلاش می کند خود را به عنوان رهبری معرفی کند که از تقابل های سنتی فاصله گرفته و به دنبال فراگیری است. اما این گفتن، وقتی با واقعیت های سیاسی ایران سنجیده می شود، با چالش های روبه روست. برای مثال، گفت وگو با مخالفان، نیازمند ایجاد فضایی امن برای بیان انتقادات است، چیزی که در حال حاضر با محدودیت های متعدد همراه است. بدون رفع این موانع، دعوت به گفت وگو ممکن است به یک ژست سیاسی تقلیل یابد که بیشتر به نفع مشروعیت دولت است تا تغییر واقعی.

گفتن ها، فراتر از کلمات، بازتاب دهنده روابط قدرت و تلاش برای حفظ یا تغییر آن اند. پزشکیان با این سخنان، تلاش می کند چهره ای باز و متفاوت از دولت ارائه دهد، اما بدون تغییر در ساختارهای موجود، این دعوت ممکن است به آینه ای بدل شود که فقط تصویر گوینده را منعکس می کند، نه واقعیتی نو.

گامی در مسیر نامعولم
سخنان پزشکیان، در بهترین حالت، نشانه ای از تمایل به تغییر گفتن سیاسی ایران است. اما از منظر تحلیل گفتن انتقادی این اظهارات، بدون پشتوانه عملی و تعریف دقیق در خطر تبدیل شدن به یک ابزار هژمونیک برای تثبیت قدرت قرار دارند. اگر قرار است گفت وگو جایگزین تقابل شود، نیاز به شفافیت در تعریف مخاطب، ایجاد فضایی امن برای بیان انتقادات و تعهد به تغییرات ساختاری است. تا آن زمان، این دعوت، مانند آینه ای است که امید را نشان می دهد، اما ترک های عمیق واقعیت را نیز پنهان نمی کند. رئیس جمهور، با این سخنان، گامی در مسیر نامعولم برداشته است. اینکه این مسیر به گفت وگویی واقعی منتهی شود یا به شعاری دیگر، به تصمیمات آینده بستگی دارد.

خبری

تحرکات دیپلماتیک ایران، روسیه و چین در آستانه مذاکرات استانبول

مکانیسم ماشه محور مذاکرات ایران و تروئیکا اروپایی است

مذاکرات پیش رو در استانبول با حضور معاونان وزرای خارجه ایران و سه کشور اروپایی فرصتی برای احیای دیپلماسی هسته ای است

با آژانس بین المللی انرژی اتمی را به طور کامل قطع می کند، بلکه می تواند به تشدید تنش های منطقه ای و حتی درگیری نظامی منجر شود. این تهدید همچنین پاسخی به سکوت آژانس در برابر حملات به تأسیسات هسته ای ایران است که از نظر تهران، نشانه ای از جانبداری آژانس از منافع غرب است.

رایزنی های اولیانوف و گروسکی: تلاش برای کاهش تنش ها

دیدار میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان های بین المللی با رافائل گروسکی مدیرکل آژانس، حکایت از تلاش مسکو برای میانجی گری و کاهش تنش ها پیش از مذاکرات استانبول دارد. این دیدار که موضوعات ایران و اوکراین را دربرمی گرفت، احتمالاً به منظور جلب حمایت آژانس برای جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت انجام شد. با این حال، عدم محکومیت حملات به تأسیسات هسته ای ایران توسط آژانس، اعتماد تهران به این نهاد را به شدت کاهش داده است.

منوچهر متکی نماینده مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، طرح خروج از معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) ظرف ۲۴ ساعت به تصویب خواهد رسید

در حالی که مذاکرات هسته ای ایران با تروئیکا اروپایی (فرانسه، آلمان و بریتانیا) برای سوم مرداد ۱۴۰۴ (۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵) در استانبول برنامهریزی شده، تحرکات دیپلماتیک ایران، روسیه و چین نشان دهنده تلاشی هماهنگ برای مقابله با فشارهای غرب، به ویژه تهدید فعال سازی مکانیسم ماشه است. این مکانیسم که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل پیش بینی شده، می تواند تحریرهای بین المللی را علیه ایران بازگرداند و به تشدید انزوای اقتصادی و سیاسی تهران منجر شود. با توجه به حملات اخیر اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته ای ایران و عدم محکومیت این اقدامات توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی، ایران همکاری های داوطلبانه خود با آژانس را تعلیق کرده و این امر به افزایش تنش ها دامن زده است.

نشست سه جانبه تهران: هماهنگی استراتژیک

روز سه شنبه، تهران میزبان نشست سه جانبه با حضور نمایندگان ایران، روسیه و چین بود که بر هماهنگی مواضع در برابر درخواست پیش رو و تهدید مکانیسم ماشه متمرکز شد. این نشست که با حضور مقامات ارشد وزارت امور خارجه ایران برگزار شد، بر تداوم رایزنی های نزدیک میان این سه کشور تاکید داشت. هدف اصلی این نشست، ایجاد جبهه ای متحد برای حمایت از مواضع ایران در برابر فشارهای غرب، به ویژه در شورای امنیت بود که ممکن است پرونده هسته ای ایران به آن ارجاع شود. روسیه و چین، به عنوان متحدان کلیدی ایران، به دنبال مدیریت وضع موجود هستند، با این حال، اظهارات مقامات ایرانی، از جمله عباس عراقچی وزیر امور خارجه نشان می دهد که تهران این مکانیسم را فاقد مشروعیت قانونی و اخلاقی می داند.

واکنش داخلی ایران: تهدید به خروج از NPT
در داخل ایران، تهدید فعال سازی مکانیسم ماشه واکنش های تندی را در پی داشته است. در تازه ترین مورد منوچهر متکی نماینده مجلس شورای اسلامی اعلام کرده در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، طرح خروج از معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) ظرف ۲۴ ساعت به تصویب خواهد رسید. این موضع نشان دهنده رویکرد تهاجمی ایران در برابر فشارهای غرب است که می تواند پیامدهای گسترده ای برای دیپلماسی هسته ای داشته باشد. خروج از NPT نه تنها روابط ایران

طرفین و اجماع بین المللی بستگی دارد. در کل تحرکات دیپلماتیک اخیر ایران، روسیه و چین مبین تلاش برای ایجاد جبهه ای متحد در برابر فشارهای غرب است. با این حال، تهدید خروج از NPT و تشدید تنش ها با آژانس و تروئیکا اروپایی، چشم انداز دیپلماسی هسته ای را مبهم کرده است. مذاکرات استانبول می تواند آخرین فرصت برای جلوگیری از فعال سازی مکانیسم ماشه باشد اما موفقیت آن به انعطاف پذیری طرفین و اجماع بین المللی بستگی دارد.



چهار گوشه جهان

شماره ۲۱۰۶ | پنجشنبه | ۲ مرداد | ۱۴۰۴



بازگشت ازدهای صنعتی

برچسب «ساخت آلمان» با کسب امتیاز کامل ۱۰۰، معتبرترین نشان تولید در جهان است؛ افتخاری که حالا با سرمایه‌گذاری ۶۳۱میلیارد یورویی غول‌های صنعتی، قرار است به آینده نیز امتداد یابد

کنند، رقمی که معادل یک‌سوم تولید ناخالص داخلی این کشور است و در کنار اعتبار «ساخت آلمان»، می‌تواند در پیچه‌ای جدید به اقتصاد این کشور باز کند.

انگیزه‌هایی فراتر از سود کوتاه‌مدت

هدف این سرمایه‌گذاری عظیم، تنها خروج از رکود نیست؛ بلکه دفاع از جایگاه آلمان به‌عنوان پیش‌تاز فناوری، طراحی صنعتی و قدرت رقابتی جهانی است. رولاند بوش، مدیرعامل زیمنس و یکی از بانیان طرح، می‌گوید: «ما می‌خواهیم رشد اقتصادی را بازگردانیم، قدرت رقابت را تقویت کنیم و برتری فناوری‌مان را حفظ یا گسترش دهیم». این طرح شامل توسعه کارخانه‌های جدید، نوسازی خطوط تولید موجود و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه است. پروژه‌هایی که نه‌فقط به تولید ثروت، بلکه به ارتقای برند ملی «ساخت آلمان» در دهه‌های آینده کمک خواهند کرد.

پیوند سیاست و صنعت

نقش دولت در این بازآفرینی اقتصادی نیز کلیدی است. صدراعظم جدید آلمان، فریدریش مرس، که سابقه مدیریت در شرکت مالی آمریکایی بلک‌راک را دارد، با رویکردی تجاری‌محور وارد صحنه شده و یکی از پررنگ‌ترین پیوندهای تاریخ آلمان بین سیاست و صنعت را رقم زده است. دولت جدید، متشکل از ائتلاف دموکرات‌مسیحی (CDU)، سوسیال‌مسیحی (CSU) و سوسیال‌دموکرات‌ها، یک بسته سرمایه‌گذاری دولتی ۵۰۰میلیارد یورویی را برای بازسازی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، دیجیتال‌سازی، شبکه‌های انرژی و تحقیقات تصویب کرده است. افزون بر آن، تخفیف‌های مالیاتی سنگینی برای شرکت‌ها در نظر گرفته شده و هزینه انرژی برای صنعت کاهش یافته است.

در جهان بر رقابت امروز که مصرف‌کننده با انبوهی از برندها و محصولات درگیر است، برچسب «ساخت آلمان» همچنان حکم طلای خالص را دارد؛ نمادی از کیفیت، نوآوری، امنیت، طراحی و دوام. نظرسنجی جهانی اخیر با مشارکت بیش از ۴۳ هزار مصرف‌کننده از کشورهای گوناگون که ۹۰درصد جمعیت جهان را نمایندگی می‌کنند، برچسب «ساخت آلمان» را با امتیاز کامل ۱۰۰، در رتبه نخست احترام و اعتماد جهانی قرار داده است. در دهه‌های بعدی، سوتیس با امتیاز ۹۸ و اتحادیه اروپا با ۹۲ قرار دارند. «ساخت بریتانیا» با امتیاز ۹۱ و «ساخت سوئد» با ۹۰ نیز در جمع برترین‌ها دیده می‌شوند. در این میان، «ساخت آمریکا» با امتیاز ۸۱، در کنار ژاپن و فرانسه، در جایگاه نهم ایستاده است. اما نکته قابل تأمل، غیبت کامل «ساخت چین» در میان ۱۵ برند برتر جهانی است، نشانی از چالش‌های اعتبار جهانی تولیدات شرقی در برابر رقبای غربی و صنعتی.

تولد دوباره در بطن بحران

اقتصاد آلمان که طی سال‌های گذشته با ضربه‌های پیاپی همه‌گیری کرونا، فروپاشی زنجیره‌های تأمین جهانی، جنگ اوکراین، بحران انرژی و تورم مواجه شده بود، به‌طور رسمی وارد رکود شد. در سال ۲۰۲۴، آلمان پایین‌ترین نرخ سرمایه‌گذاری در میان ۳۸ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) را تجربه کرد. در چنین شرایطی، امید به بازگشت رشد اقتصادی مفرورگ شده بود؛ تا آنکه ۶۱شرکت بزرگ آلمانی و بین‌المللی، از جمله مرسدس‌بنز، ب‌ام‌و، زیمنس، فولکس‌واگن، دویچه بانک و... در کنار شرکت‌هایی مانند انویدیا و بلک‌راک، با اعلام پویشی با نام «ساخت‌شده برای آلمان» اعلام کردند که تصمیم دارند بیش از ۳۱میلیارد یورو در سه سال آینده در اقتصاد آلمان سرمایه‌گذاری

عکس روز

خروش آسمان، زخم زمین

توفان ویفا و باران‌های موسمی در ویتنام، فیلیپین و پاکستان، تاکنون جان ۸ نفر را گرفته است



توفان گرمسیری ویفا که ابتدا در آب‌های اقیانوس آرام به‌عنوان یک تایفون شکل گرفت، روز سه‌شنبه با سرعت باد بیش از ۱۰۰ کیلومتر در ساعت به سواحل شمالی ویتنام رسید و در ادامه با بارندگی‌های سیل‌آسا، مناطق وسیعی از این کشور و فیلیپین را به تعطیلی و وخت کشاند.

در فیلیپین، این توفان با نام محلی «کریسینگ» زندگی صدها هزار نفر را مختل کرد. طغیان رودخانه ماریکینا در کلانشهر مانیل باعث تخلیه فوری ده‌هزار نفر شد. تنها در مناطق کزون، کالوکان و حاشیه رودخانه، بیش از ۴۸ هزار نفر به پناهگاه‌های موقت در مدارس و سالن‌های عمومی منتقل شدند. تصاویر منتشر شده از خیابان‌های مملو از آب که کودکان در آن شنا می‌کنند و قایق‌های امدادی در آن رفت‌وآمد دارند، عمق فاجعه را نشان می‌دهد. تاکنون پنج نفر در

اثر توفان کشته شده‌اند، از جمله یک زن سالخورده و راننده‌اش که در پی تلاش نافرجام برای عبور از پلی غرق‌شده در کالوکان مفقود شدند. در ویتنام، توفان ویفا برق استان هونگ‌بین را قطع کرد و شهروندان برای تأمین سوخت ژنراتورها به پمپ‌بنزین‌ها هجوم بردند. خیابان‌های هانوی، پایتخت، خالی شده و دولت با هشدارهای جدی، از ساکنان مناطق پرخطر خواست خانه‌های خود را تخلیه کنند.

کیوسک



روزنامه الموندو اسپانیا، عکس اصلی خود را به قطعی مرگبار غزه اختصاص داد که جان تمام ساکنان این باریکه، به ویژه کودکان را به خطر انداخته است.

گاردین آمریکا، عکس و تیترا اصلی خود را به اعلام زودهنگام تعطیلات تابستانی توسط مایک جانسون به منظور جلوگیری از تصویب پرونده اپستین و به دردرس افتادن ترامپ اختصاص داد.



چهار روز

«آزی آزیورن»، خواننده افسانه‌ای گروه «بلک سبت» و ملقب به «شاهزاده تاریکی» و «پدرخوانده متال»، در ۷۶ سالگی درگذشت. او که در سال ۱۹۹۴ برنده جایزه گرمی بهترین اجرای متال شد، با صدای خروشان و سبک منحصربه‌فردش ژانر هوی‌متال را بازتعریف کرد. آزیورن در بیرمنگام انگلستان متولد شد و پس از تجربه کار در کارخانه و کشتارگاه، در سال ۱۹۶۷ به موسیقی روی آورد. او با تشکیل گروه «بلک سبت» و انتشار آلبوم‌های تأثیرگذاری چون «پارنوید» و «بلک سبت» در دهه ۱۹۷۰، راه را برای گروه‌های متال هموار کرد. آزیورن سال‌ها با اعتیاد و مشکلات جسمانی، از جمله پارکینسون و عوارض سانحه رانندگی در سال ۲۰۰۳، دست‌وپنجه نرم کرد. به‌رغم تمام حواشی پیرامون او در طی این دهه‌ها، میراث و نام او در موسیقی متال جاودانه خواهد ماند.

ینگه دنیا

نگاهی به یک پرونده کهنه و قدیمی

با انتشار بیش از ۲۴۰ هزار صفحه از پرونده‌های اف‌بی‌آی درباره مارتین لوتر کینگ توسط دولت ترامپ، بحث‌های تازه‌ای درباره ماهیت این افشاگری‌ها، انگیزه‌های سیاسی و... در افکار عمومی آمریکا شعله‌ور شده است



دولت ترامپ به‌تازگی دستور انتشار گسترده‌ای از اسناد محرمانه مربوط به «نظارت و تعقیب» رهبر جنبش حقوق مدنی آمریکا، مارتین لوتر کینگ را صادر کرده است. در نتیجه، بیش از ۲۴۰ هزار صفحه که از سال ۱۹۷۷ تحت مهر قضایی

نگهداری می‌شدند، اکنون با حکم تازه وزارت دادگستری، به آرشيو ملی و سپس به دست عموم مردم سپرده شده‌اند. اسنادی که شامل شونده‌های اف‌بی‌آی، یادداشت‌های داخلی، گزارش‌های تعقیب جیمز ارل ری و مکاتبات مرتبط با رویکرداری ضد جنگ و جاسوسان نفوذی تلاش میدانی و جاسوسان نفوذی تلاش داشته‌اند زندگی شخصی، اعتقادی و اجتماعی او را تخریب کنند. در این بین، حتی مستنداتی مبنی بر تلاش از سیاستمداران وقت را به تکیاو انداختند اما این اقدام، با استقبال خانواده کینگ مواجه نشده است. مارتین لوتر کینگ سوم و خواهرش برنیس، در بیانیه‌ای مشترک این انتشار را اقدامی دردناک و فاقد حساسیت انسانی خوانده‌اند و هشدار داده‌اند که این اسناد بدون درک کامل بستر تاریخی و روانی آن، ممکن است بیش از آنکه روشنگر باشند، تحریف‌گر و مخرب ظاهر شوند.

چرا الان؟

زمان بندی انتشار این اسناد، پرسش‌برانگیز است. از یک سو، برخی ناظران آن را گامی در جهت شفاف‌سازی تاریخی می‌دانند و از سوی دیگر، منتقدانی چون الوین شارپتون و حتی برنیس کینگ، آن را تلاشی برای انحراف افکار عمومی از بحران‌های جاری دولت ترامپ ارزیابی کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین فرضیه‌های مطرح شده، ارتباط این افشاگری با پرونده جنجالی جفری اپستین است؛ تاجر و متهم به قاچاق جنسی که در دوران ریاست‌جمهوری نخست ترامپ، در زندان درگذشت. این فرضیه، زمانی بیش از پیش قوت می‌گیرد

گذشته‌ای پرزخم؛ تعقیب، شوند، ترور شخصیت

اسناد تازه منتشرشده تأیید می‌کنند که مارتین لوتر کینگ، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گزارش‌هایی در این باره وجود داشت، توسط اف‌بی‌آی به‌شدت تحت تعقیب و شنون بوده است. ج.ا.ادگار هورر، رئیس وقت اف‌بی‌آی، کینگ را خطری بالقوه

برای امنیت ملی می‌دانست؛ نه‌به‌دلیل خشونت، بلکه به‌دلیل نفوذ اجتماعی، جسارت اخلاقی و مخالفتش با جنگ و نابرابری. در این اسناد آمده است که سازمان‌های اطلاعاتی با استفاده از شنود، ضبط مکالمات تلفنی، تعقیب‌های میدانی و جاسوسان نفوذی تلاش برای افشای فعالیت‌های کینگ در سراسر کشور، برنیس کینگ و حتی اعضای خانواده کینگ را به ترور می‌رساند. در سال ۱۹۹۹، دادگاهی در ممفیس رای داد که ترور مارتین لوتر کینگ نتیجه یک توطئه سازمان‌یافته بوده و حتی تردیدها درباره گناهکار بودن جیمز ارل ری بیفکنند.

آیا حقیقت روشن خواهد شد؟

در سال ۱۹۹۹، دادگاهی در ممفیس رای داد که ترور مارتین لوتر کینگ نتیجه یک توطئه سازمان‌یافته بوده و حتی تردیدها درباره گناهکار بودن جیمز ارل ری بیفکنند. اما دواوند رسمی پرونده، تنها یک مهره در سمناریوی بزرگ‌تر بوده است. اکنون، انتشار این اسناد شاید بتواند در کنار زخ‌زدن مجدد، پرده‌ای از حقیقت بردارد؛ اما همچنان پرسش اصلی پابرجاست: آیا در آمریکا، حقیقت هم مانند عدالت، همیشه با تأخیر می‌رسد؟ در فضایی که سیاست با رسانه درمی‌آمیزد و افشاگری می‌تواند ابزار قدرت شود، تمایز میان «حقیقت‌گویی» و «توجیه‌سازی» باریک‌تر از همیشه است و در این میانه، صدای تاریخی مارتین لوتر کینگ همچنان در گوش زمان می‌پیچد: «بی‌عدالتی در هر جا، تهدیدی برای عدالت در همه‌جاست.»

برای امنیت ملی می‌دانست؛ نه‌به‌دلیل خشونت، بلکه به‌دلیل نفوذ اجتماعی، جسارت اخلاقی و مخالفتش با جنگ و نابرابری. در این اسناد آمده است که سازمان‌های اطلاعاتی با استفاده از شنود، ضبط مکالمات تلفنی، تعقیب‌های میدانی و جاسوسان نفوذی تلاش برای افشای فعالیت‌های کینگ در سراسر کشور، برنیس کینگ و حتی اعضای خانواده کینگ را به ترور می‌رساند. در سال ۱۹۹۹، دادگاهی در ممفیس رای داد که ترور مارتین لوتر کینگ نتیجه یک توطئه سازمان‌یافته بوده و حتی تردیدها درباره گناهکار بودن جیمز ارل ری بیفکنند. اما دواوند رسمی پرونده، تنها یک مهره در سمناریوی بزرگ‌تر بوده است. اکنون، انتشار این اسناد شاید بتواند در کنار زخ‌زدن مجدد، پرده‌ای از حقیقت بردارد؛ اما همچنان پرسش اصلی پابرجاست: آیا در آمریکا، حقیقت هم مانند عدالت، همیشه با تأخیر می‌رسد؟ در فضایی که سیاست با رسانه درمی‌آمیزد و افشاگری می‌تواند ابزار قدرت شود، تمایز میان «حقیقت‌گویی» و «توجیه‌سازی» باریک‌تر از همیشه است و در این میانه، صدای تاریخی مارتین لوتر کینگ همچنان در گوش زمان می‌پیچد: «بی‌عدالتی در هر جا، تهدیدی برای عدالت در همه‌جاست.»

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



راز زرد گیلیگان در راه ابل تی‌وی پلاس



ابل تی‌وی پلاس با انتشار پوستر رسمی ژنرال‌آودا پروژه جدید ونس گیلیگان، بار دیگر توجه‌ها را به خود جلب کرده است. تصویری از یک ظرف با صورت یک خندان در زمینه‌ای زرد رنگ، همراه با شعار «شادی مسری است»، اولین نشانه‌ای از سریالی است که هنوز نامی رسمی ندارد اما نخستین تیزر آن جمعه آینده منتشر خواهد شد. این سریال نخستین بار در سال ۲۰۲۲ معرفی شد و «ریسهپورن»، ستاره «بهتر است با سال تماس بگیرید»، نقش اصلی آن را در دو فصل بازی می‌کند. به گفته گیلیگان، او در نقش زنی ظاهر می‌شود که برای حفظ نیکو و انسایشش در برابر تهدیداتی مبهم می‌جنگد. فیلمبرداری پروژه در نیومکزیکو انجام شده و حال و هوایی نزدیک به آثار احساسی-فراواقعی همچون ای.تی. دارد. سیهپورن در گفت‌وگویی با دللایین این سریال را «علمی-تخیلی و روان‌شناسانه‌ای پیچیده و عاطفی» توصیف کرد و از مهارت گیلیگان در آمیختن طنز و تلخی گفت: «این سریال گاهی ناراحت‌کننده و گاهی غیرمنتظره خنده‌دار است.» گیلیگان که به‌عنوان نویسنده و تهیه‌کننده اجرایی نیز در پروژه حضور دارد، همکاری دوباره با سیهپورن را «تجربه‌ای متفاوت و شگفت‌انگیز» خوانده و وعده داده است که مخاطبان چهره‌ای تازه از این بازیگر خواهند دید. در دورانی که آثار علمی-تخیلی اغلب در گیر تکرارند، هواداران انتظار دارند گیلیگان بار دیگر با ناگهی خلاقانه، جهانی نو خلق کند؛ جهانی که شادی، اخلاقی و تنهایی انسان را در بستر روایتی پرکشش و چندلایه به چالش می‌کشد.

آزیورن

کد پوشش سیاستمداران ایرانی در مجامع بین‌المللی

چه پیامی را منتقل می‌کند

از «یقه ولایتی» تا انگشتر عقیق عراقچی

پوشش سیاستمداران هر کشور در مجامع جهانی می‌تواند نمادی بروز و ظهور کد پوشش جامعه باشد



عسل آفریور دبیر فرهنگ و هنر

در ایران قانون مدونی برای حدود لباس وجود ندارد. البته جز یک مورد، ماده ۶۳۸ قانون اساسی که اشاره مستقیم به نوع پوشش برای زنان دارد و اگر دستورالعمل سازمان اداری و استخدای را هم بخشی از قانون لباس (مختص به محیط کار) بدانیم؛ هیچ قانون دیگری برای مشخص شدن اصول پوشش لباس وجود ندارد. هر چند این مسئله در جهان هم نمونه‌های بسیار دارد؛ بسیاری از کشورهای جهان هم قوانین مشخصی برای لباس ندارند، آنان پوشش را به عنوان حق شهروندان به خودشان سپرده‌اند. گروه دیگری از کشورها هم که قوانینی برای لباس دارند، آن را با توجه به شرایط امنیتی، حفظ نظم اجتماعی و مقابله با شکارزدگی بی‌ارتباط به اصول کشورشان و یا ترویج مواردی خلاف قانون خود بنا گذاشته‌اند. هدف این گزارش واکاوی چرایی بود و نبود قانون لباس در کشور نیست بلکه هدف بررسی قوانین نانوشته‌ای برای لباس است. نانوشته‌ای که نه برای لباس مردم یا مشاغل گوناگون جامعه باید و نباید ایجاد کند، که مقصود پوشش بر گرفته از پیشینه فرهنگی، عرف جامعه و نظام سیاسی کشور است که باید در سطوح بالاتر رعایت شود.

نشانه‌شناسی پوشش در صحنه سیاست

رنگ و ردا: سیاستمداران چگونه با لباس سخن می‌گویند

نوشین آذرنگ هفت صبح

در دنیای پیچیده سیاست، پوشش سیاستمداران فراتر از انتخابی مدگرایانه و ترکیبی است از قوانین رسمی، عرف‌های نانوشته و انتظارات فرهنگی، با تفاوت‌هایی در رنگ، نوع پوشاک و تمایز میان موقعیت‌های رسمی و غیررسمی است. این یادداشت در نگاهی تطبیقی به پیراهن رها شده روی شلوار نماد، بریتانیا، نیوزیلند و هند با این قواعد مواجه می‌شوند و کوششی است برای فهم تعادلی که میان سنت و بیان فردی برقرار می‌کنند.



بریتانیا: سنت با هنجارهای در حال تغییر



در مجلس عوام بریتانیا، پوشش رسمی (business attire) غالب است. مردان باید «لاتزسوت» کت‌وشلوار رسمی با طراحی ساده‌تر از تاکسیدو بپوشند، گرچه از سال ۲۰۱۷ کراوات الزامی نیست؛ تصمیمی که پس از بحث‌هایی درباره نمایندگان بدون کراوات، مانند تام بریگ، اتخاذ شد. از زنان انتظار می‌رود کت‌وشلوار، پیراهن، یا دامن رسمی بپوشند. نبود قواعد دقیق تر باعث شده انتخاب‌های متفاوت، به‌ویژه برای زنان، با انتقاد

شدیدی مواجه شده. مانند تی‌شرت فمینیستی هریت هارمن در ۲۰۱۴ که «نامناسب برای صحن مجلس» خوانده شد. رنگ‌های خنثی مانند سرمه‌ای، خاکستری، یا مشکی برای القای جدیت رایج‌اند و لباس‌های متفرد مانند کت‌قهوه‌ای روشن جرمی کوپین، اغلب غیرحرفه‌ای تلقی می‌شوند. در موقعیت‌های غیررسمی، سیاستمداران بریتانیایی ممکن است پوشش نیمه‌رسمی یا محلی را برای ارتباط با رای‌دهندگان انتخاب کنند. رنگ‌های ملایم نشانه حرفه‌ای‌گری‌اند، گرچه در مراسم عمومی، لباس‌هایی با رنگ‌های پررنگ‌تر یا پوشش‌های فرهنگی می‌توانند هویت و اصالت را نشان دهند.



در مجلس ملی فرانسه، قانون صریحی برای پوشش وجود ندارد، اما پوشش رسمی کت‌وشلوار برای مردان و پیراهن یا کت‌وشلوار زنانه برای زنان انتظار می‌رود. جنبش «بدون کراوات» در ۲۰۱۷ الزام کراوات را کاهش داد، اما پوشش‌های رنگارنگ یا غیررسمی، مانند پیراهن رنگی سسیل دوفلو سیاستمدار فرانسوی که به دلیل انتخاب پوشش‌های غیرمعمول و رنگارنگ در جلسات رسمی انگشت‌نما شد، اغلب با انتقاد

مواجه‌اند، به‌ویژه اگر پوشش‌زن باشند. رنگ‌های خنثی ترجیح داده می‌شوند، اما انتخاب لباس‌هایی با رنگ‌ها یا طرح‌های غیرمتعارف که از عرف رسمی فاصله دارند همواره با داوری‌های جنسیتی همراه است. در موقعیت‌های غیررسمی، برخی سیاستمداران مانند فرانسوا روفن لباس‌های کاملاً غیررسمی، مانند پیراهن تیم فوتبال، پوشیده‌اند تا پیام سیاسی خاصی منتقل کنند، گرچه این اقدامات اغلب به خاطر منجر می‌شود.



در بسیاری از مجالس قانون‌گذاری هند، قواعد سخت‌گیرانه‌ای برای پوشش وجود ندارد، اما پوشش سنتی مانند «دهوتی» پارچه‌ای بلند که به دور کمر و پاها پیچیده می‌شود یا «کورتا» پیراهن بلند سنتی هندی، یا کت‌وشلوار رسمی رایج‌اند. در سال ۲۰۲۱، نماینده مجلس ایالتی گجرات، ویمل چوداساما، به دلیل پوشیدن تی‌شرت از صحن علنی اخراج شد که نشانگر انتظار برای پوششی متین بود. رنگ‌های خنثی

مانند سفید یا کرم رایج‌ترین و رنگ‌های پررنگ کمتر در محیط‌های رسمی دیده می‌شوند. پوشش ساده مهاتما گاندی «دهوتی» و «شال» در ۱۹۳۱، نمادی از فروتنی بود و بیانیه‌ای قوی محسوب می‌شد. در موقعیت‌های غیررسمی، پوشش سنتی یا راحت به سیاستمداران کمک می‌کند تا با مردم، به‌ویژه در مناطق روستایی، ارتباط برقرار کنند.



در پارلمان نیوزیلند، کراوات برای مردان تا سال ۲۰۲۱ الزامی بود، اما نماینده مائوری، راوبری وایتیتی، با اوختن یک گردنبند سنتی به‌جای کراوات، بر حق ابراز هویت فرهنگی پافشاری کرد. اگرچه پوشش رسمی همچنان معیار است و رنگ‌های خنثی معمول‌اند، پوشش‌های فرهنگی با الگوها و رنگ‌های متنوع نشانه‌ای از فراگیری و احترام به گوناگونی فرهنگی هستند.

ایالات متحده: رسمیت همراه با استراتژی در ایالات متحده، کنگره و سنا قواعد سخت‌گیرانه‌ای

یقه ولایتی، پایان شلختگی دیپلماتیک ولایتی که ۱۶ سال وزیر امور خارجه ایران بود، روایت جالبی از حضور این یقه در فضای سیاسی داشته است. «اسم این یقه‌ها، یقه آخوندی نیست. این معروف به یقه ولایتی است. اوایل دهه ۶۰، بنده با کنار گذاشتن پیراهن یقه‌دار، این پیراهن را با این مدل استفاده کردم. می‌خواستیم در وزارت خارجه، لباسی داشته باشیم که هویت ایرانی داشته باشد. بارها با خیاط‌ها در خصوص شکل این یقه صحبت کردم تا بالاخره نمونه حاصل شد، البته این یقه با یقه‌های صاف دیگر تفاوت دارد. منحنی جلوی آن، مدل ولایتی است.» محمدجواد ظریف هم که در تمام دوران حضورش در وزارت امور خارجه و حتی پیش از آن که نماینده دائم ایران در سازمان ملل بود از همین یقه استفاده می‌کرد، بر این روایت صحه می‌گذارد: «اولین بار این مدل یقه را تن آقای ولایتی دیدم. ما در نیویورک بودیم از این یقه‌ها آنجا نبود، همسر ما با دیدن این مدل، یقه عادی بلوزهایی که آنجا بود را می‌برد و یقه را به شکل یقه دیپلماتیک ایران درست می‌کرد. روز اولی که لباسی با این یقه پوشیدم و به سازمان ملل رفتم، دختر وزیر خارجه هند و نماینده کشورش در سازمان ملل، به من گفت بالاخره شما از شلختگی درآمدید و یک لباس فرم پوشیدید!»

کت و شلوار، از رضاخان تا امروز مانده به ابتکار علی اکبر ولایتی حالا سال هاست، پیراهن یقه آخوندی، ولایتی یا دیپلماتیک، به عنوان پوشش پذیرفته شده سیاستمداران و دیپلمات‌های ایرانی در جهان شناخته شده است. اما این همه کد پوششی عرصه سیاست نیست. استفاده از کت و شلوار به خصوص برای حضور در مجامع جهانی در ایران پذیرفته شده است. صرف پوشیدن کت و شلوار به معنای رعایت این پوشش جهانی گرچه موضوع بحث نیست، اما نوع انتخاب‌ها هنوز هم می‌تواند زیر ذره‌بین قرار بگیرد.

یقه دیپلماتیک و انگشترهای عقیق، نشانه‌های شناخته شده در مجامع جهانی از همه وزرای امور خارجه که بگذریم، به آخرین نفری که در پیچ تاریخی بزرگ این روزهای ایران ریاست وزارت خارجه را برعهده دارد، می‌رسیم. سیدعباس عراقچی، مرد عرصه سیاست دیروز و امروز، پیراهن یقه ولایتی می‌پوشد، گاهی هم با پیراهن‌های یقه مروانه آشنای کت و شلوار، در مجامع جهانی دیده می‌شود. آقای وزیر کت و شلوارهای تیره‌رنگ با قد آستین‌های مناسب، چنان که معرف کد پوششی دیپلمات‌هاست را انتخاب می‌کند؛ از منسکی تا نوک‌مصدادی و سورمه‌ای تیره. آقای



برای پوشش دارند. از سپتامبر ۲۰۲۳، سنا سیاست «پوشش رسمی اداری» (business attire) را با جدیت اجرا می‌کند. مردان باید کت‌وشلوار و کراوات بپوشند و زنان ملزم به پوشیدن پیراهن، دامن یا بلوز، یا کت‌وشلوار زنانه (pant suit) هستند. این سخت‌گیری پس از دوره‌ای کوتاه از تساهل شکل گرفت، زمانی که سناتور جان فترمن با هودی و شلوارک در سنا ظاهر شد و ضرورت بازگشت به انتظارات سنتی را برانگیخت. مجلس نمایندگان نیز پوشش رسمی را الزامی کرده است، گرچه رئیس مجلس اختیار نهایی را دارد. تا پیش از اعتراضات سال ۲۰۱۷، زنان اجازه پوشیدن پیراهن‌های آستین‌حلقه‌ای نداشتند، اما پس از اصلاحات، این قاعده انعطاف‌پذیرتر شد، هر چند پوشش رسمی همچنان غالب است.

در مراسم‌های ریاست جمهوری، کت‌وشلوار تیره به رنگ سرمه‌ای یا خاکستری برای مردان استاندارد است و زنان معمولاً پیراهن رسمی یا کت‌وشلوار زنانه می‌پوشند. در رویدادهای «بلیک‌تای» مانند ضیافت‌های تحلیف که در آن لباس رسمی شبانه مرسوم است، لباس بلند برای زنان و تاکسیدو برای مردان الزامی است. انتخاب رنگ‌ها استراتژیک است: سرمه‌ای و خاکستری نماد حرفه‌ای‌گری‌اند و کراوات‌های قرمز یا آبی اغلب گرایش حزبی را نشان می‌دهند (قرمز برای جمهوری خواهان، آبی برای دموکرات‌ها). رنگ‌های جسورانه، مانند لباس‌های شریلی چیشولم، نماینده زن کنگره آمریکا که در دهه ۱۹۷۰ به دلیل پوشش‌های رنگارنگ و جسورانه‌اش شناخته شد، می‌توانند پیام‌دار باشند، اما اغلب با واکنش‌هایی مواجه می‌شوند. در مراسم

وزیر کفش‌های واکس‌زده درخشان به پا دارد. انگشترهای عقیق مرسوم میان سیاستمداران ایرانی به دست می‌کند و جز در موارد اندک که ساعت‌مچی مورد استفاده‌اش پیدا می‌شود، نشان دیگری در پوشش ندارد.

شلختگی که دوباره به عرصه بین‌المللی بازگشت

نکته حائز اهمیت در مورد لباس آقای وزیر اما نکته‌ای به ظاهر جزئی اما قابل توجه است. دکمه‌های کت عراقچی، تقریباً در هیچ کدام از عکس و فیلم‌هایی که از دیدار هایش بیرون می‌آید سرجایشان نیست. شلختگی جلوی کت آقای وزیر، از ناترازی دکمه‌ها نیست از بی‌توجهی خیاطان در دوخت کت متناسب با فرم بدن آقای وزیر است. این اتفاق برای کت یک شخصیت دیپلماتیک اگرچه در نمونه غیرایرانی‌اش هم وجود داشته و بارها و بارها رسانه‌های معتبر و گوناگون جهانی را به انتقاد واداشته اما این‌جا و تاکنون حتی به تذکر یا اصلاحی نرسیده است.

شلختگی جلوی کت آقای وزیر، از ناترازی دکمه‌ها نیست از بی‌توجهی خیاطان در دوخت کت متناسب با فرم بدن آقای وزیر است. این اتفاق برای کت یک شخصیت دیپلماتیک اگرچه در نمونه غیرایرانی‌اش هم وجود داشته و بارها و بارها رسانه‌های معتبر و گوناگون جهانی را به انتقاد واداشته اما این‌جا و تاکنون حتی به تذکر یا اصلاحی نرسیده است

همه می‌دانند مهم‌ترین نکته در مورد کت انتخابی آن هم برای شخصیت دیپلماتیک که بیش از همه مقابل دوربین‌ها دیده می‌شود، سایز، فرم و قواره کت است که باید براساس اندام او طراحی و دوخته شود. با این همه در طول حضور دیپلماتیک نمایندگان ایران در مجامع بین‌المللی جز چند مورد اندک که شاید به فراموشی سپرده شده باشد، باقی دیپلمات‌های ایرانی بر همان قوانین پوشش مالوف جهان رفتار کرده‌اند. پایداری به‌اصولی که شاید از اقتضائات حضور در محیط‌های جهانی است. اصولی که در داخل مرزها و برای سایر سیاستمداران ایرانی از بالاترین رتبه، رئیس‌جمهور تا پایین‌ترین رتبه، گاه‌بویی گاه‌دیده گرفته شده است. روزی به بهانه صدور اندیشه جهان شمول به واسطه لباس، روزی بابت سلیقه شخصی و روز گاری از بی‌حوصلگی پروتکل‌هایی که دست‌وپاگیر شدند.



سوغ، مانند تدفین، مشکي رنگ سنتي است، گرچه سیاستمدارانی مانند دونالد ترامپ، که در مراسم پاپ فرانسیس کت‌وشلوار سرمه‌ای تیره پوشید، جنجال آفریدند. در موقعیت‌های غیررسمی، مانند کمپین‌های انتخاباتی یا جلسات مردمی، سیاستمداران آمریکایی به پوشش نیمه‌رسمی (business casual) یا حتی شلوار جین و پیراهن یقه‌باز روی می‌آورند تا صمیمی‌تر به نظر برسند. سبک غیررسمی فترمن، با وجود انتقادات در سنا، در کارزارهای انتخاباتی با استقبال مواجه شد. رنگ‌های خنثی مانند خاکی یا سرمه‌ای رایج‌اند تا توجه بر پیام متمرکز بماند. سنجاق سینه‌هایی با پرچم آمریکا نیز نشانه‌ای از میهن‌دوستی محسوب می‌شوند.

دغدغه‌های جهانی

کدهای پوشش برای سیاستمداران در سراسر جهان میان حرفه‌ای‌گری، هویت فرهنگی و استراتژی سیاسی در نوسان‌اند. در موقعیت‌های رسمی، پوشش رسمی در رنگ‌های خنثی برای حفظ وقار نهادهای ضروری است، در حالی که در زمینه‌های غیررسمی، لباس‌های راحت‌تر یا فرهنگی به برقراری ارتباط انسانی کمک می‌کنند. رنگ‌ها و سبک‌ها بار معنایی دارند: از نشان‌دادن وابستگی سیاسی تا بیان فردیت. اما هرگونه انحراف از عرف معمول، اغلب محل مناقشه است. این نمونه‌های جهانی نشان می‌دهند که هر رستاخردن پوشش با اقتدار و اصالت، دغدغه‌ای جهانی است.

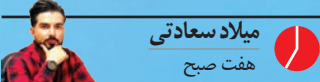
منابع: NPR/ Ms.Magazine/ Quartz, The Indian Express



پرستاران خسته و بیمارانی که در انتظار درمانند

صد هزار پرستار کم داریم

سالانه ۳۵۰۰ نفر در بیمارستان‌ها بازنشسته و ۱۵۰۰ نفر به دلیل مشکلات فراوان ترک کار می‌کنند



میلاد سعادت
هفت صبح

زنی حدوداً ۴۰ ساله در به در بیمارستان... دنبال پرستار و متخصص قلب اورژانس می‌گردد. همین ۲۰ دقیقه قبل به خاطر سکتۀ پدر سالمندش به اورژانس زنگ زد و آنها نیز بر اساس پروتکل‌ها، بیمار را به این بیمارستان دولتی آوردند. دختر که به شدت نگران پدر پیرش است؛ بارها برای پیدا کردن پرستار و پرسنل اورژانس به این و آن مراجعه کرده ولی هر بار با این جمله تکراری مواجه شده که «منتظر باش تا به نوبت به وضعیت بیمارمان رسیدگی می‌شود، فعلاً در راهرو

اورژانس منتظر بمانید!» اما دختر می‌داند پدرش باید زودتر به دستگاه متصل شود تا از بروز خطر جدی جلوگیری شود... آن طرف‌تر گروهی دیگر از همراهان بیمارآن، به خاطر اینکه کسی به مریضشان رسیدگی نمی‌کند با پرسنل در حال جر و بحث هستند. مراجعان با کادر درمان سر این موضوع که چرا به مریض ما رسیدگی نمی‌کنید دعوا می‌کنند. یکی از پرستاران فریاد می‌زند: «چه کار کنیم؟ مگه چند نفر هستیم؟ نمی‌تونیم به همه برسیم. باید منتظر بمانید». ماجرا بالاخره با دخالت حراست بیمارستان به صورت موقت تمام می‌شود. زن جوان نمی‌داند که در این بلبشو چه باید بکند؟ نه فرصتی برای انتقال

پدرش به مرکز خصوصی است و نه در این بیمارستان کسی به خودش زحمت معاینه و رسیدگی به وی را می‌دهد. برمی‌گردد تا ببیند حال پدرش چگونه است اما... پیر مرد رنگش کبود شده و دیگر سینه‌اش بالا و پایین نمی‌رود؛ نشانه‌ای که حکایت از آن دارد که بیمار دیگر نفس نمی‌کشد. زن جوان شوکه شده، یعنی به همین راحتی پدرش...! تنها واکنشش جیغ بلند است که می‌کشد و از هوش می‌رود. آخرین صحنه‌های ماتی که جلوی چشمش رژه می‌روند؛ دودین پرسنل به سمت آنهاست؛ همان پرسنلی که تا چند دقیقه قبل حتی حاضر نبودند نگاهی به برانکار بیمار بیاندازند.



وزارت بهداشت باید مشکلات معیشتی پرستاران را برطرف کند، وگرنه هر روز باید شاهد آب رفتن آمار تعداد پرستاران در کشور باشیم که می‌تواند فاجعه‌ای ملی تلقی شود

در این زمینه، گریزی می‌زند و ادامه می‌دهد: بهداشت در گفت‌وگو با «هفت‌صبح» از ناترازی تعداد پرستاران با بیماران و تخت‌های بیمارستانی می‌گوید: در حال حاضر به ازای هر تخت ۹۵ صدم پرستار وجود دارد در حالی که آمار نرمال آن، ۱/۸ پرستار است. به زبان ساده در حال حاضر ۱۰۰ هزار پرستار در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های کشور کمبود داریم. وی دلیل این وضعیت را بی‌برنامگی دولت‌ها در جذب پرستار می‌داند و می‌گوید: آخرین آزمون استخدامی در سال ۱۴۰۱ برگزار شده و دیگر هیچ آزمونی برگزار نشد و تنها در سال ۱۴۰۲ تبدیل وضعیت نیروها را داشتیم. از سویی براساس مجوز استخدامی جدید، از میان ۲۷ هزار نفر حدود ۱۲ هزار و ۵۰۰ نفر سهم گروه پرستاری و فوریت‌های پزشکی است. آزمون استخدامی قرار بود سال گذشته برگزار شود که به امسال موکول شد.

معاون پرستاری وزارت بهداشت با بیان اینکه طرح تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری از سال ۱۴۰۱ در حال اجراست، می‌گوید: امسال نسبت به سال ۱۴۰۳ ضرایب ریالی و ارزش نسبی حدود ۴۶ درصد در کشور رشد داشته است. عبادی همچنین به اجرای طرح تعرفه تر جیحی ویژه مناطق محروم به عنوان عاملی مهم

قصه تکراری کمبود نیروی انسانی مسئولان خانه پرستار می‌گویند که کمبود نیرو و پرستار، بیشتر به دلیل عدم تامین بار مالی ناشی از حقوق و مزایای اختصاص یافته به افراد است.

کمبود نیروی کادر سلامت در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، به ویژه پرستار که همه جوره باید وقت و حواس خودش را صرف مراقبت از بیماران کند، در چند سال گذشته به موضوعی چالش‌انگیز در سیستم درمانی کشور بدل شده چون مستقیماً به جان و سلامت شهروندان بستگی دارد.

در گوشه‌ای از اورژانس بیمارستان ... جوان تصادفی را به بیمارستان آورده‌اند و به دلیل وخامت حالش، به تنها مانیتور نشان‌دهنده علائم حیاتی متصل شده است. دوستش دنبال پرستار و دکتر اورژانس است اما وی نیز با جمله روتین کمبود نیرو و پرستار در بیمارستان مواجه

کمبود صد هزار پرستار

این گلايه‌های دوطرفه، زمانی معنادار تر می‌شود که بدانیم، حدود ۱۰۰ هزار نیروی پرستار در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های سراسر کشور کم داریم. کمبود نیروی پرستار هم بدین معنی است که سایر پرستاران، باید با اضافه‌کاری اجباری، آن هم با مبلغ پرداختی ناچیز مراقب جان بیماران باشند. در این بین کمبود پرستار، سبب افزایش سختی کار و تسیردن تعداد بیمار بیشتری به هر یک از پرستاران در طول شیفت‌های خود می‌شود.

معاون پرستاری وزارت بهداشت با بیان اینکه طرح تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری از سال ۱۴۰۱ در حال اجراست، می‌گوید: امسال نسبت به سال ۱۴۰۳ ضرایب ریالی و ارزش نسبی حدود ۴۶ درصد در کشور رشد داشته است. عبادی همچنین به اجرای طرح تعرفه تر جیحی ویژه مناطق محروم به عنوان عاملی مهم

حوادث

افشای تجاوزهای سریالی مامور قلابی آب و فاضلاب

راز سرقت از خیاط خانه مادر شهید

مرد جوان وقتی دست به سرقت زد فکرش را هم نمی‌کرد راز تجاوزهای پنج سال قبلش فاش شود



فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر حوادث

پنج سال قبل رسیدگی به شکایات‌های سریالی زنان جوان تهرانی با موضوع تجاوز و سرقت در دستور کار آگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

شباهت این شکایت‌ها حکایت از این داشت که عامل تجاوزها یک نفر است. اولین خانمی که اقدام به ثبت شکایت کرد، در توضیح به ماموران گفت: «خانه ما واقع در جنوب شهر تهران و یک طبقه است. روز حادثه زنگ در خانه‌مان را زدند و من وقتی آیفون را جواب دادم، شخصی خودش را مامور آب و فاضلاب معرفی کرد. من هم در از زدم اما چند ثانیه بعد دیدم یک مرد جوان با کلت کمری وارد هال خانه‌مان شد. من از ترس جیغ کشیدم اما او دست بچه من را کشید و تهدید کرد اگر سرو صدا کنم به فرزندم شلیک می‌کند. من هم از ترس صدایم در نیامد. آن مرد فرزندم خردسال من را در توالت حبس و به من تجاوز کرد. بعد هم طلاها و پول‌هایم را سرقت کرد و از خانه

دستگیری

پنج سال از ماجرای شکایت سریالی پنج زن گذشته بود که از منزل زن میانساله که مادر یک شهید هم بود، سرقت شد. این زن در ثبت شکایت خود گفت: «خانه من واقع در شهری است و در زیرزمین خانه‌ام یک خیاط‌خانه دارم که با کار در آنجامرار معاش می‌کنم. یک روز وقتی در منزل مشغول استراحت بودم،

گریخت». بعد از اینکه این زن شکایت خود را ثبت کرد، به فواصل کوتاهی چهار زن دیگر نیز شکایات‌های خود را به ثبت رسانده و اظهار کردند که فردی تحت پوشش مامور آب و فاضلاب با کلت کمری وارد خانه‌شان شده و بعد از تجاوز، طلاهای‌شان را سرقت کرده و پریخته است.

در جریان رسیدگی قضایی، تصویر این مامور قلابی که به ثبت دوربین‌های مداربسته رسیده بود به دست آمد و با دستور قضایی منتشر شد اما متهم از مهلکه گریخته بود. در حالی که ردیابی‌های پلیسی ادامه داشت، سرانجام مرد متجاوز به دام افتاد.

اعترافات سارق

این متهم در برخورد ابتدایی با ماموران پلیس آگاهی گفت: «من شکایت همه این خانم‌ها را قبول ندارم و تنها به یکی از آنها تعرض کردم. از شاکیان دیگر فقط سرقت کردم.»

سر و صدایی از طبقه پایین شنیدم و سریع به خیاط‌خانه رفتم که دیدم مرد جوانی به روی من اسلحه کشید و من را تهدید به شلیک مرگبار کرد و مقداری از وسایل گرانبهیم خیاط‌خانه و همچنین طلاهایم را سرقت کرد و گریخت.»

با این شکایت دوربین‌های مداربسته مورد بازبینی قرار گرفت و با به دست آمدن تصویر متهم مشخص شد که این سارق همان عامل تجاوزهای سریالی است. در ادامه تحقیقات شماره پلاک موتورسیکلتی که سارق با آن به سرقت آمده بود، به دست آمد و از طریق ردیابی آن بالاخره مخفیگاه این متهم شناسایی شد.

متهم چند روز قبل در عملیات ضربتی پلیس دستگیر شد و به ارتکاب جرم اعتراف کرد.



این متهم در ادامه گفت: «بعد از سرقت‌های پنج سال قبل وقتی دیدم که تصویر چهارم در روزنامه‌ها منتشر شده، خیلی ترسیدم و برای همین بود که تصمیم گرفتم دست از سرقت بردارم تا به دام ماموران نیفتم. چند سالی بود که اصلاً سمت خلاف نمی‌رفتم تا اینکه خیلی اتفاقی با یک طلافروش که در شهری مغازه داشت، دوست شدم. او به من گفت می‌تواند طلاهای سرقتی را از من خریداری کرده و بفروشد. بعد هم گفت در محله‌شان زن میانساله‌ای را می‌شناسد که تنهایی زندگی می‌کند و چند بار از او طلا خریداری کرده است. او می‌گفت به احتمال

نیش خط

قطعی گسترده آب از نارمک تا انقلاب، از راه آهن تا سعادت آباد

وقتی نام قطعی آب را «مشکل فنی» می‌گذارند



حمیدرضا خالدي
هفت صبح

ایران امسال برای پنجمین سال پیاپی با خشکسالی درگیر است. این خشکسالی در کنار کاهش بارش‌های استان تهران در سال آبی جاری که در ۶۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده، منابع آبی تهران را به شدت تحت تأثیر قرار داده؛ چالشی که باعث شده هر لحظه به قطعی آب بیشتر نزدیک شویم؛ گرچه به گفته برخی از شهروندان، این قطعی‌ها از تیر ماه در تهران آغاز شده؛ منتهی بی‌صدا و به بهانه نقایص فنی!

این روزها کمبود آب به یکی از چالش‌های پیچیده کشور بدل شده و رئیس‌جمهور، کم‌آبی را جدی‌تر از آنچه تصور می‌شود، توصیف می‌کند. مسئولی هم هشدار می‌دهد که تهران تا دو—سه هفته دیگر بیشتر آب ندارد اما مقام دیگری می‌گوید که مردم نگران نباشند و قرار نیست آب قطع یا جیره‌بندی شود. درست در همین گیر و دار اما گزارش‌های شهروندی حکایت از آن دارد که تقریباً هر روز در یکی از بخش‌های تهران، آب قطع می‌شود؛ آن‌هم نه یک ساعت و دو ساعت، بلکه ۷–۸ ساعت.

افزایش گزارش‌ها از قطعی آب

تقریباً از سه‌شنبه ۲۴ تیر، انتشار گزارش‌های مردمی از قطع آب به‌ویژه در تهران آغاز شد. با این حال شهروندان تهران دیگری، قطع آب را از سه‌شنبه دوهفته قبل تجربه کرده‌اند اما «محسن اردکانی» مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران، چهارشنبه ۲۵ تیر بر این موضوع که آب پایتخت قطع نشده، با فشاری کرد. وی گفت: «اگر ۲۰ درصد صرفه‌جویی کنیم، قطعی نخواهیم داشت و در غیر این صورت، وارد فاز قطعی آب خواهیم شد». این روند تقریباً هر سال به شکلی جدید تکرار می‌شود. به عنوان مثال اسفند ۱۴۰۳ و همزمان با انتشار گزارش‌هایی از افت شدید فشار آب در تهران «حسام خسروی» معاون بهره‌برداری و توسعه آب شرکت آبفای تهران، اعلام کرد این شرکت تنها مسئول تامین فشار آب تا طبقه دوم ساختمان‌هاست و ساکنان طبقات بالاتر باید با نصب پمپ و مخزن، خود اقدام به تقویت فشار کنند.

شرایط وخیم سدهای تهران

بررسی وضعیت سدهای تهران نشان می‌دهد که سد امیرکبیر ۳۶ درصد پرشدگی دارد. سد لار هم با ۶ درصد پرشدگی در وضعیت بسیار وخیمی قرار دارد. سدهای لتیان و ماملو به ترتیب با ۵۲ و ۹ درصد پرشدگی هم در مرز خطر قرار گرفته‌اند و سد طالقان هم البته وضعیت بهتری از بقیه سدها ندارد و با ۵۱ درصد پرشدگی، نسبت به سال گذشته عقب‌ماندگی دارد.

از ۷۰۶ میلیارد مترمکعب مصرف متوسط سالیانه آب شرب و بهداشت، حدود ۱۶ درصد آن معادل ۴۰۶ میلیارد مترمکعب در سال صرف مصارف آب شهری می‌شود. از این میان، حدود ۳۶ میلیارد مترمکعب (۷۷ درصد) صرف مصارف خانگی و بیش از یک میلیارد مترمکعب آب (۲۳ درصد) صرف مصارف غیر خانگی می‌شود. سهم آب روستایی از مصارف کل آب شرب سالیانه در کشور هم کمتر از یک میلیارد مترمکعب است که از این میان، ۸۷۰ میلیون مترمکعب آن (۹۰ درصد) برای مصارف خانگی و ۱۰۰ میلیون مترمکعب آن (۱۰ درصد) برای مصارف غیر خانگی مصرف می‌شود.

به گفته «حجت میان‌آبادی» پژوهشگر دیپلماسی آب، نکته قابل توجه درباره مصرف آب شرب در بخش‌های مختلف آن است که از متوسط ۷۰۶ میلیارد مترمکعب آب در سال، تنها ۱۰۴ میلیارد مترمکعب آن (حدود ۱۸ درصد) آن مصرف می‌شود و مابقی ۶۰۲ میلیارد مترمکعب (حدود ۸۲ درصد)، عمدتاً به فاضلاب تبدیل می‌شود که در صورت برنامه‌ریزی مناسب و با رعایت ملاحظات محیط‌زیستی و توجه به پایداری به منابع آب زیرزمینی، می‌توان بخش معناداری از آن را دوباره بازچرخانی و مورد استفاده مجدد قرار داد.

از کاهش فشار تا قطعی آب

مسئولان قول می‌دهند که قرار نیست آب مشترکان قطع شود بلکه فقط فشار آن کاهش پیدا می‌کند. با این حال گزارش‌های شهروندی حکایت از آن دارد که در بسیاری از موارد، پس از کاهش فشار آب، قطعی کامل آب رخ می‌دهد. «محمد رضا» ساکن خیابان پدر ثانی در محله نارمک است. وی یکی از قربانیان قطعی آب ناگهانی است. محمد رضا در مورد قطعی اخیر آب در منزل خود می‌گوید: روز سه‌شنبه (۳۱ تیرماه) تازه از سرکار به خانه آمده بودم که ناگهان ساعت یک ظهر آب قطع شد؛ آن هم بدون اطلاع. گفتم شاید مشکل فنی پیش آمده باشد. منتظر ماندیم تا آب وصل شود اما تا ساعت ۹ شب آب نیامد. به همین سادگی! قطعی‌های پی در پی آب اما تنها محدود به این یک مورد نمی‌شود. «هریم» ساکن خیابان فرصت شیرازی در محله انقلاب هم گزارش داده که روز دوشنبه (۳۰ تیر ماه) از ساعت ۱۰ شب تا ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه، آب منطقه قطع شده بود. مروری بین اخبار تیرماه رسانه‌ها نشان می‌دهد که هر روز شهروندانی از گوشه و کنار تهران، قطع آب آشامیدنی را گزارش داده‌اند؛ گرچه مسئولان در اکثر مواقع ترکیدگی یا سایر مشکلات فنی را دلیل این قطعی آب می‌دانند. در هر صورت همچنان یک سوال ساده باقی می‌ماند؛ اینکه اگر قرار است علاوه بر افت فشار آب، قطعی‌های آب نیز به‌طور منظم انجام شود، چرا وزارت نیرو این قطعی‌ها را مثل قطع برق، اعلام نمی‌کند؟ اطلاع‌رسانی‌ای که می‌تواند حداقل مقداری از کلافگی و عصبانیت شهروندان در این گرمای تابستان کم کند.



«محمد رضا» ساکن خیابان پدر ثانی در محله نارمک است. وی یکی از قربانیان قطعی آب ناگهانی است. محمد رضا در مورد قطعی اخیر آب در منزل خود می‌گوید: روز سه‌شنبه (۳۱ تیرماه) تازه از سرکار به خانه آمده بودم که ناگهان ساعت یک ظهر آب قطع شد؛ آن هم بدون اطلاع. گفتم شاید مشکل فنی پیش آمده باشد. منتظر ماندیم تا آب وصل شود اما تا ساعت ۹ شب آب نیامد. به همین سادگی!

